

تحلیلی بر محیط کسب و کار و بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی در ایران

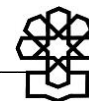
معاونت پژوهش‌های اقتصادی
دفتر: مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰
شماره مسلسل: ۱۴۳۷۵
مردادماه ۱۳۹۴

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۴.....	مبانی نظری
۵.....	۱. محیط اقتصادی
۱۱.....	۲. محیط نهادی
۱۶.....	۳. بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی
۱۸.....	روش تحقیق
۱۸.....	الف) کمی کردن شرایط محیط کسب‌وکار
۲۱.....	ب) کمی کردن فرصت‌های کارآفرینی
۲۶.....	یافته‌های تجربی
۲۶.....	الف) محیط کسب‌وکار ایران
۳۱.....	ب) بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی در ایران
۳۶.....	ج) تأثیر محیط کسب‌وکار بر بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی در ایران
۳۷.....	نتیجه‌گیری
۳۹.....	منابع و مأخذ



تحلیلی بر محیط کسب‌وکار و بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی در ایران

چکیده

در همه کشورها، کارآفرینی به دو شیوه ایجاد می‌شود. شیوه اول، فرصت‌های نوآورانه است که کارآفرینان به ابداع و خلق جدید روش، ابزار، بازار و یا هر نوآوری دیگر مورد استفاده در فرآیند کسب‌وکار می‌پردازند و دومین شیوه، فرصت‌های آربیتراژ که کارآفرینان با تقلید از نوآوری دیگران، کسب‌وکارشان را ایجاد می‌کنند و یا رونق می‌دهند. این گزارش از طریق کمی کردن این دو فرصت، به بررسی جایگاه هر یک در ایران و در مقایسه با سایر کشورها می‌پردازد.

برای تحقق این امر، مقدار نیروی کار و سرمایه‌ای که کشورهای مختلف برای تولید یک دلار تولید ناخالص داخلی (GDP) به کار برده‌اند به‌عنوان مرز تولید هر کشور انتخاب شده است. در واقع کشوری که برای تولید یک دلار کالا یا خدمت، نیروی کار و سرمایه کمتری مصرف کند، کارآتر است و هرچه تولید یک کشور ناکارآتر باشد از سرمایه و نیروی کار بیشتری استفاده می‌کند. هر کشوری با توجه به میزان استفاده از سرمایه و نیروی کارش، بر روی یک مرز تولید قرار می‌گیرد (که لزوماً هر مرز تولیدی مختص یک کشور نیست). کشورهایی که روی یک مرز تولید قرار دارند (بیشترین کارایی را دارند) به‌عنوان معیار برای سایر کشورها در استفاده از فرصت‌های آربیتراژ قرار می‌گیرند. در واقع فاصله هر کشور از این کارآترین مرز تولید به‌عنوان فرصت‌هایی است که آن کشور می‌تواند با انتقال نوآوری، کسب‌وکار خود را بهبود بخشد و کارآتر عمل کند، به عبارت دیگر این فاصله نشان می‌دهد که کشور مورد نظر به چه میزان از تمامی نوآوری موجود در دسترس (که می‌تواند تکنولوژی باشد) استفاده نکرده است. همچنین جابجایی مرز تولیدی کشوری، بیانگر بهبود در فرصت‌های نوآورانه آن کشور است بدین معنی که کارآفرینان آن کشور ذاتاً خلاق‌تر و نوآورتر شدند.

نتایج این گزارش نشان می‌دهد که ایران بر اساس شاخص فرصت‌های نوآوری و آربیتراژ فنی در ۱۸ سال منتهی به سال ۱۳۹۱ با فاصله از مرز تولید جهانی فعالیت کرده و از فرصت‌های آربیتراژ فنی به‌خوبی بهره‌برداری نکرده است. با وجود این، مقایسه شاخص فرصت‌های نوآورانه ایران در سال‌های مختلف با متوسط جهانی نشان می‌دهد که در اغلب سال‌ها ایران از متوسط جهانی بهتر عمل کرده است.

براساس این مطالعه، مجموعه عوامل محیط اقتصادی و محیط نهادی کسب‌وکار تأثیری مستقیم بر سطح بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکار جدید دارند. در مشاهده مربوط به سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، ۱۶ درصد تغییر در (بدتر شدن) شاخص محیط اقتصادی کسب‌وکار سبب

۲ درصد تغییر هم جهت (کاهش) در شاخص نسبی بهره‌برداری از فرصت‌های نوآورانه کارآفرینی شده است و این کاهش در شاخص نسبی بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی، احتمالاً به ۵۵ درصد کاهش در نرخ تراکم ایجاد کسب‌وکارهای جدید در سال ۱۳۹۱ نسبت به ۱۳۹۰ منجر شده است. این نتیجه نشان می‌دهد که اگر محیط کسب‌وکار برای کارآفرینان ایرانی ایجاد شود، آنها مشکلی در ابداع و نوآوری ندارند، زیرا با وجود محدودیت‌ها و مشکلاتی که در شکل‌گیری امر کارآفرینی وجود دارد، همواره نوآوری بالاتری از متوسط سطح جهانی داشته‌اند و بنابراین می‌توان گفت که بیشتر مشکلاتشان منوط به عواملی است که آنها را در استفاده از نوآوری‌های موجود محدود کرده است. از این رو باید بر بهبود محیط کسب‌وکار (محیط نهادی و اقتصادی کسب‌وکار) به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار مهم برای بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکار جدید و ایجاد و حفظ نهادهای تقویت‌کننده کارآیی بخش خصوصی و نهادهای تقویت‌کننده پاسخگویی مسئولین بخش عمومی، حمایت مؤثر از حقوق مالکیت و حداقل مداخله اجرایی، تأکید کرد.

مقدمه

نقش کارآفرین شامل کشف و بهره‌برداری از فرصت‌های کسب‌وکار می‌شود که به فرآیند انجام این نقش، فرآیند کارآفرینی می‌گویند. در تعریف دقیق‌تر، فرآیند کارآفرینی شامل کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌ها به‌منظور معرفی محصولات و خدمات، روش‌های سازماندهی، بازارها، فرآیندها و مواد اولیه جدید، از طریق تلاش‌های سازمان‌یافته‌ای است که قبلاً صورت نگرفته است (Shane & Venkataraman, 2000).

مطالعه علیی که تشریح می‌کنند چرا در یک کشور یا منطقه در نقطه‌ای از زمان کارآفرینان زیادی ظهور می‌کنند نیاز به توجه به سه مجموعه از عامل است:

- الف) ویژگی‌های فردی افراد، جنبه‌های متمایز شخصیتی کارآفرینان،
- ب) محیط اقتصادی شامل شرایط بازار مالی و صنعتی که انگیزه ایجاد کرده و فعالیت کارآفرینانه را ممکن می‌سازد،
- ج) عملکرد نهادها و ارزش‌های جامعه.

ویژگی‌های شخصیتی افراد به‌طور گسترده در مطالعات کارآفرینی مورد بحث قرار گرفته است. عوامل روانشناسانه (خلاقیت، ریسک‌پذیری، نیاز به موفقیت، تمایل به خودمختاری و استقلال، جستجوی قدرت و...) و عوامل غیرروانشناسانه (آموزش، تجربه در ایجاد شرکت، موقعیت اجتماعی و...) تصمیم‌گیری برای بهره‌برداری از فرصت‌ها را تسهیل می‌کنند.



به هر حال، موفقیت در تشخیص و بهره‌برداری از چنین فرصت‌هایی به شرایط محیطی که کارآفرین بالقوه در آن عمل می‌کند نیز بستگی دارد. هر چه محیط شرایط بهتری داشته باشد، بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی بیشتر است و هر چه بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی در جامعه‌ای بیشتر باشد، عملکرد اقتصاد آن کشور و خلق ارزش و ثروت در آن جامعه بیشتر می‌شود (شکل ۱). بر اساس نظریه عمومی شین (Shane, 2003) می‌توان دو مجموعه عوامل محیطی معین، محیط اقتصادی و محیط نهادی را تفکیک کرد.

محیط اقتصادی خود چهار بعد دارد. محیط اقتصاد کلان شامل اندازه اقتصاد و رشد آن و ثبات اقتصادی و نظام بودجه‌ای به‌ویژه مالیات بر سود سرمایه^۱ و مالیات بر سود شرکت‌ها، توسعه شرکت‌ها را توضیح می‌دهد (Cuervo, 2005). محیط مالی به خصوص شرایط بازار سرمایه و بازار غیررسمی و وجود شرکت‌های با سرمایه خطرپذیر که وجوه را برای شرکت در مواجهه با اطلاعات نامتقارن و عدم اطمینان فراهم می‌آورند، انگیزه و پشتیبانی از ایجاد شرکت‌های جدید را به وجود می‌آورند. شرایط صنعت نیز از عوامل تأثیرگذار بر سطح بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی است. رابطه با منابع خارجی نوآوری، نیاز کمتر به دانش ضمنی^۲، اندازه و دینامیک بازارها، فقدان یک صنعت یکپارچه یا طراحی‌های برتر، وجود سازوکارهایی برای صیانت از بازدهی‌های ناشی از نوآوری و وجود تعداد زیادی از شرکت‌های کوچک در یک حوزه اقتصادی محدود، از عوامل مهم در بعد شرایط صنعت هستند (Shane, 2003, p. 118). محیط جغرافیایی که افراد در آن آموزش یافته و کار کرده‌اند، جایی است که افراد توانایی‌های فنی و کسب‌وکار را می‌آموزند که سبب توسعه نوآوری‌ها و ایجاد شرکت‌های جدید می‌شود.

سومین مجموعه از عوامل که رفتار کارآفرینانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نهادهایی هستند که به فعالیت اقتصادی نظم^۳ می‌دهند. نهادهایی که به‌طور مؤثر از حقوق مالکیت حمایت کرده و مداخله اجرایی را محدود کرده‌اند، بنابراین از سرمایه‌گذاری بیشتر در دارایی‌های فیزیکی و انسانی و استفاده بهتر از این عوامل پشتیبانی می‌کنند. در مقابل، ایده‌های حمایت‌گرایانه و بازارهای سیاسی، سبب افزایش تعداد رانت‌جویان به عوض تعداد کارآفرینان مولد می‌شوند.

در چارچوب نهادی، نظام‌های آموزشی و علم و فناوری برای به‌وجود آمدن یک روح کارآفرینانه در جامعه حیاتی است. اکنون دانش و فعالیت کارآفرینی دارایی‌های اصلی توسعه کشورها هستند در حالی که در گذشته سرمایه فیزیکی و منابع طبیعی دارایی‌های اصلی توسعه محسوب می‌شدند. ایجاد یک کسب‌وکار جدید بر مبنای تحقیقات جدید به نهادهای آموزشی فعال، نهادهای سرمایه

۱. Taxing on Capital Gain

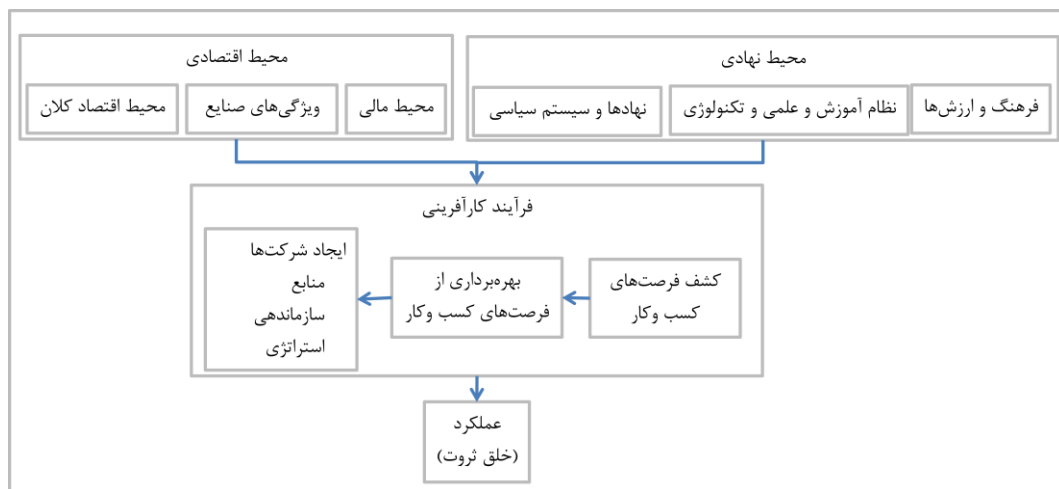
۲. Tacit

۳. Regulate

مخاطره‌پذیر، استعداد مدیریت، خوشه‌های همکاری دورن شرکتی نیاز دارد که به معنای ارتباط بازارها برای دانش، منابع انسانی و وجوه مالی است.

در نهایت، محیط فرهنگی، ارزش‌ها و عقاید و مشروعیت فعالیت کارآفرینانه، انگیزه‌های برای بهره‌برداری از فرصت‌ها فراهم می‌آورند ارزش‌های جامعه و تجربه کارآفرینی قبلی، مشروعیت را تقویت کرده و به برداشتن موانع قانونی و هنجارهای فرهنگی با روح کارآفرینانه آزاد کمک می‌کنند. آنها همچنین از ارزشمندی موفقیت و پذیرش شکست‌ها، تغییر و خلاقیت حمایت می‌کنند.

شکل ۱. مدل مفهومی محیط کسب و کار براساس نظریه عمومی کارآفرینی شین



مأخذ: اقتباس از شین ۲۰۰۳.

مبانی نظری

مطالعه عللی که تشریح می‌کنند چرا در یک کشور یا منطقه در نقطه‌ای از زمان کارآفرینان زیادی ظهور می‌کنند نیاز به توجه به سه مجموعه از عوامل است:

- الف) ویژگی‌های فردی افراد، جنبه‌های متمایز شخصیتی کارآفرینان،
- ب) محیط اقتصادی شامل شرایط بازار مالی و صنعتی که انگیزه ایجاد کرده و فعالیت کارآفرینانه را ممکن می‌سازد،
- ج) عملکرد نهادها و ارزش‌های جامعه.

ویژگی‌های شخصیتی افراد به‌طور گسترده در مطالعات کارآفرینی مورد بحث قرار گرفته است. عوامل روانشناسانه (خلاقیت، ریسک‌پذیری، نیاز به موفقیت، تمایل به خودمختاری و استقلال، جستجوی قدرت و...) و عوامل غیرروانشناسانه (آموزش، تجربه در ایجاد شرکت، موقعیت اجتماعی و...) تصمیم‌گیری برای بهره‌برداری از فرصت‌ها را تسهیل می‌کند.



به هر حال، موفقیت در تشخیص و بهره‌برداری از چنین فرصت‌هایی به شرایط محیطی که کارآفرین بالقوه در آن عمل می‌کند، نیز بستگی دارد. این مطالعه بر نقش محیط تمرکز شده است که بر اساس نظریه عمومی شین می‌توان دو مجموعه عوامل محیطی معین، محیط اقتصادی و محیط نهادی را تفکیک کرد.

۱. محیط اقتصادی

عوامل محیطی اقتصادی عبارتند از: محیط اقتصاد کلان، شرایط صنعت یا بازار، محیط مالی و محیط جغرافیایی.

الف) محیط اقتصاد کلان

- محیط اقتصاد کلان، توسعه شرکت‌ها را از طریق متغیرهای زیر تحت تأثیر قرار می‌دهد:
- اندازه و رشد اقتصاد،
- ثبات اقتصادی (تورم، تعادل بودجه)،
- نظام بودجه.

ایجاد شرکت‌ها به اندازه بازارها برای کالاها و خدمات و عوامل تولید بستگی دارد. برای مثال، در اسپانیا بحث‌هایی درباره مسائل مربوط به تقاضای داخلی یک بازار بی‌ثبات و کوچک وجود دارد که به‌عنوان یک متغیر توضیحی از ایجاد محدود شرکت‌ها مطرح است (Cuervo, 2005). این امر حکایت از چرخه معیوب شناخته شده‌ای دارد: عقب‌ماندگی یا توسعه‌نیافتگی مانعی برای توسعه اقتصادی و مانعی برای توسعه کارآفرینی است.

نظام بودجه می‌تواند به نظامی انگیزشی برای بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی تبدیل شود. به‌ویژه، کاهش مالیات بر سود شرکت‌ها و کاهش مالیات بر انتقال شرکت‌های با مالکیت فامیلی می‌تواند انگیزه‌ای برای ایجاد شرکت‌های جدید و افزایش منافع قابل دسترس برای کارآفرین پروژه‌های کسب‌وکار شود (Cuervo, 2005).

در کشورهای صادرکننده نفت، سیاست مالی ادواری خود می‌تواند به‌عنوان یک عامل مهم در بی‌ثبات کردن محیط اقتصاد کلان نقش داشته باشد. دولت به‌عنوان یک مجموعه عریض و طویل که در آن منابع مالی بر اساس منطق اقتصادی هزینه نمی‌شود، در بی‌ثبات کردن محیط اقتصاد کلان نقش دارد. یک فرد یا سازمان با مدیریت معقول در سال‌ها یا در ماه‌هایی که قیمت جهانی مواد اولیه افزایش می‌یابد، سعی می‌کند که سرمایه خود را پس‌انداز کند و سرمایه‌گذاری عمرانی خود را در زمان مناسب‌تری انجام دهد یا حداقل در این شرایط سرمایه‌گذاری خود را افزایش نمی‌دهد. اما دولت‌ها در کشورهای صادرکننده نفت (از جمله ایران براساس تجربه چند سال گذشته) با افزایش قیمت جهانی

مواد اولیه، سرمایه‌گذاری عمرانی خود را افزایش می‌دهند و با کاهش قیمت جهانی مواد اولیه، سرمایه‌گذاری عمرانی خود را کاهش می‌دهند چون قیمت مواد اولیه با قیمت جهانی نفت و قیمت جهانی نفت نیز با درآمدهای نفتی این کشورها همبسته است. این امر سبب افزایش قیمت مواد اولیه تولیدی در کشور، گاهی حتی بیشتر از قیمت جهانی آن می‌شود. همچنین دولت برای اجرای طرح‌های عمرانی در طول سال تقاضای یکنواخت برای مواد اولیه ایجاد نمی‌کند، بلکه در برخی از ماه‌ها با توجه به وصول درآمدهایش تقاضای بیشتری ایجاد می‌کند که این موضوع سبب نوسانات در قیمت مواد اولیه طی ماه‌های مختلف می‌شود.

همچنین در کشورهای صادرکننده نفت با وجود درآمدهای حاصل از منابع طبیعی فراوان، سیاست‌های اقتصاد کلان سست در مدت‌زمان طولانی‌تری دوام می‌یابند. به عبارت دیگر نهادهای دولتی، تعادل در بازارهای مختلف را با استفاده از منابع فوق حفظ می‌کنند و اجازه تغییرات در بازار را نمی‌دهند. این امر سطح فرصت‌های کارآفرینی را کاهش می‌دهد، زیرا تغییر در طرف عرضه یا تقاضا، فرصت‌های کارآفرینی را ایجاد می‌کنند. مشکل اصلی این است که اهمال در تنظیم بازار، تنوع رقابتی را کم کرده و یکی از علل اصلی کارآیی پایین کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان است (Auty & Kiiski, 2001). بنابراین سیاست‌هایی که امکان تغییرات در بازار را نمی‌دهند مانند سیاست‌های تثبیتی و وارداتی مختلف سطح فرصت‌های کارآفرینی در اقتصاد را کاهش می‌دهند.

ب) محیط مالی

محیط مالی توسعه شرکت‌های جدید را به دو شکل تحت تأثیر قرار می‌دهد. اول، از طریق هزینه سرمایه که تصمیمات سرمایه‌گذاری را به‌طور کلی تحت تأثیر قرار می‌دهد و دوم، از طریق ویژگی‌های تأمین مالی شرکت‌های جدید یا ایده‌های کسب‌وکار جدید (Cuervo, 2005).

اكتساب منابع مالی برای محصولات جدید با مسئله عدم تقارن اطلاعات و ناطمینانی روبرو است. عدم تقارن اطلاعات به تمایل کارآفرین در حفظ برخی اطلاعات سری درباره بهره‌برداری از فرصت برمی‌گردد. اما این امر امکان رفتار فرصت‌طلبانه علیه تأمین‌کنندگان سرمایه را ایجاد می‌کند.

اطلاعات بهتر درباره پروژه می‌تواند به کارآفرین در بهبود شرایط رابطه مالی کمک کند (Shane & Cable, 2002). سرمایه‌گذاران با مشکلاتی در کنترل پروژه روبرو هستند و اطلاعات نامتقارن می‌تواند به انتخاب زیانبار آنها منجر شود زیرا سرمایه‌گذاران قادر نیستند ارزیابی درستی از پتانسیل فرصت کسب‌وکار یا توانایی‌های کارآفرین به عمل آورند.

نااطمینانی از سختی ارزیابی جریان نقدی مورد انتظار پروژه ناشی می‌شود و ارزیابی توانایی کارآفرینی بدون تجربه قبلی سخت است و به مذاکره با کارآفرین نیاز دارد. در نهایت، تنها می‌توان



ریسک ارزیابی‌های نادرست درباره توانایی کارآفرین را با درخواست وثیقه^۱ جبران کرد که تنها در صورت وجود دارایی‌های قابل نقل و انتقال ممکن است. بنابراین، وجود شرکت‌های سرمایه خطرپذیر^۲ ضروری است.

شرکت‌های سرمایه خطرپذیر بهره‌برداری از فرصت‌ها را ممکن، ایجاد شرکت‌ها را تسهیل، خرید شرکت‌ها توسط مدیرانشان را پشتیبانی و به حل تضاد منافع دومین و سومین نسل در شرکت‌های با مالکیت فامیلی کمک می‌کنند. سرمایه خطرپذیر به هماهنگی میان شرکت‌ها که در یک خوشه فعالیت می‌کنند از طریق فراهم آوردن غیرمستقیم توانایی‌های مدیریتی و پشتیبانی از استراتژی‌های رشد کمک می‌کنند.

پشتیبانی از سرمایه خطرپذیر یا به‌طور رسمی (شرکت‌های سرمایه خطرپذیر) یا غیررسمی (سرمایه‌گذاران یا فروشندگان کسب‌وکار)، تأمین مالی فرصت‌های کارآفرینی را میسر می‌کند. دولت می‌تواند انگیزه‌های مالیاتی، وام‌های یارانه‌دار، یا وام‌های تضمینی را ارائه دهد که سبب کاهش مسائل مربوط به نااطمینانی از بهره‌برداری فرصت‌های کارآفرینانه شود (Cuervo, 2005) اما از آن مهم‌تر تأثیری است که دولت می‌تواند از طریق سیاست مالی خود بر بازار سرمایه و بازار غیررسمی داشته باشد. محیط مالی ارتباط تنگاتنگی با سیاست مالی دولت (بودجه دولت) دارد. در کشورهای صادرکننده نفت، افزایش کسری بودجه غیرنفتی به معنی سیاست مالی انبساطی است که به معنی افزایش تقاضای دولت برای کالاها و خدمات می‌شود که به‌نوبه خود به افزایش تقاضا برای پول و در نتیجه افزایش نرخ بهره (با فرض آنکه به‌صورت دستوری کنترل نشود) منجر می‌شود. اما از آنجا که نرخ بهره به‌صورت دستوری کنترل می‌شود، محدودیت‌های مقداری در دستور کار سیستم بانکی قرار می‌گیرد و دریافت تسهیلات از بانک‌ها برای کسب‌وکارها سخت می‌شود. سیاست مالی نامناسب دولت، بازار سرمایه و بازار غیررسمی را نیز تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد به‌طوری که تأمین مالی سرمایه از بازار غیررسمی با هزینه بالایی صورت می‌گیرد زیرا بازارها با هم ارتباط داشته و تغییرات در یک بازار، سایر بازارها را نیز تغییر می‌دهد، به‌خصوص در بازارهای پول و سرمایه که تغییرات به سرعت صورت می‌گیرد. بنابراین سیاست مالی نامناسب دولت در کشورهای صادرکننده نفت سبب می‌شود که کسب‌وکارها و کارآفرینان با مشکل تأمین مالی سرمایه مواجه شوند و محیط مالی از شرایط مناسبی برای کسب‌وکار برخوردار نباشد.

ج) ویژگی‌های صنایع

شرایط صنعتی رایج در ناحیه، منطقه یا کشورها می‌تواند تفاوت‌ها در میزان بهره‌برداری از فرصت‌های

۱. Collateral

۲. Venture Capital Firms

کارآفرینانه و خلق شرکت‌ها را توضیح دهد که متغیرهای مربوطه عبارتند از:

(الف) نیاز به دانش، طبیعت ضمنی آن، شدت تحقق و توسعه و ریشه منابع نوآوری (درونی یا خارجی نسبت به منطقه یا کشور)،

(ب) شرایط تقاضا، یعنی اندازه، رشد و بخش‌بندی^۱ بازار،

(ج) چرخه زندگی صنعت، سن صنعت، وجود طراحی‌های برتر، یکپارچگی^۲ صنعت و تراکم شرکت‌ها در صنعت،

(د) شرایط صیانتی^۳، منحنی یادگیری، شکاف‌های موقتی در بهره‌برداری از یک نوآوری و اهمیت دارایی‌های مکمل نوآوری که کارآفرینان را قادر به جمع‌آوری بازدهی تلاششان در بهره‌برداری از یک فرصت و بازدهی ناشی از یک حق انحصاری ساخت^۴ می‌کند،

(ه) ساختار صنعت که می‌تواند خلق شرکت‌های جدید را به‌عنوان نتیجه سودآوری مورد انتظار، شدت سرمایه، شدت تبلیغات، تمرکز و حداقل اندازه کارآیی شرکت‌ها در صنعت تحت تأثیر قرار دهد.

تحقیقات نشان می‌دهد که خلق شرکت‌های جدید از طریق عوامل زیر تحت تأثیر قرار می‌گیرد:

- رابطه با منابع خارجی نوآوری،

- نیاز کمتر به دانش ضمنی^۵،

- اندازه و دینامیک بازارها،

- فقدان یک صنعت یکپارچه یا طراحی‌های برتر،

- وجود سازوکارهایی برای صیانت از بازدهی‌های ناشی از نوآوری،

- وجود تعداد زیادی از شرکت‌های کوچک در یک حوزه اقتصادی محدود (Shane, 2003, p. 118).

در کشورهای صادرکننده نفت به واسطه وجود بیماری هلندی، صنایع از ویژگی منحصر به فردی برخوردار هستند. نیری و ویجنبرگن (Neary & Wijnbergen, 1986) بیماری هلندی را این چنین تعریف می‌کنند: افزایش درآمدهای حاصل از منابع طبیعی مانند نفت ظرفیت بیشتری را برای واردات کالاهای قابل تجارت ایجاد می‌کند، اما معمولاً موجب تقاضای بیشتر برای همه کالاها شامل کالاهای غیرقابل تجارت می‌شوند؛ کالاهایی که نمی‌توان وارد کرد و باید در داخل تولید کرد. اقتصاد به‌منظور گسترش تولید کالاهای غیرقابل تجارت مانند ساختمان و خدمات، باید منابع را از بخش کالاهای قابل تجارت غیر منابع طبیعی مانند تولیدات صنعتی بیرون آورد. بنابراین رونق نفتی به رکود

۱. Segmentation

۲. Consolidation

۳. Appropriability

۴. Patent

۵. Tacit



تولیدات صنعتی منجر می‌شود و تقویت واقعی پول سازوکاری است که این کار را انجام می‌دهد و این بیماری هلندی است.

با توجه به وجود بیماری هلندی در کشورهای صادرکننده نفت (از جمله ایران)^۱، با یک سیاست مالی انبساطی ناشی از سرازیر شدن منابع نفتی به بودجه، قیمت مسکن به شدت افزایش می‌یابد و صنایع ساختمانی و خدماتی رونق می‌گیرند و در عوض صنایع مربوط به کالاهای قابل تجارت به کساد می‌روند و با یک سیاست مالی انقباضی ناشی از کاهش منابع نفتی در بودجه (مانند کاهش قیمت نفت یا تحریم)، صنایع ساختمانی و خدماتی به کساد می‌روند (مانند اتفاقی که در یک سال و نیم اخیر در کشور رخ داده است) و در عوض صنایع مربوط به کالاهای قابل تجارت رونق می‌گیرند. این بی‌ثباتی بقای کسب‌وکارها را به خطر می‌اندازد. کارآفرینی که یک کسب‌وکار را تازه راه‌اندازی کرده است، نمی‌تواند در برابر این نوسانات مقاومت کرده و از پا درمی‌آید، اما شرکت‌های بزرگ ممکن است بتوانند در برابر این نوسانات مقاومت کنند؛ شرکت‌های بزرگی که کالاهای غیرقابل تجارت تولید می‌کنند مانند شرکت‌های تولید مواد لبنی فاسد شدنی، اما وجود شرکت‌های کوچک برای اقتصاد از جنبه اشتغال و تنوع‌سازی تولید و نوآوری حیاتی هستند.

در کشورهای تولیدکننده نفت و گاز (از جمله ایران) معمولاً سطح قیمت فرآورده‌های نفت و گاز بسیار پایین‌تر از سطح قیمت بین‌المللی آن تعیین می‌شود که این امر به معنای پرداخت یارانه ضمنی (یا رانت) به شرکت‌هایی است که از این منابع نفتی و گازی استفاده می‌کنند. می‌دانیم که سهم یارانه یا رانت تعلق گرفته به هر صنعت یکسان نیست. به طوری که برخی از صنایع از سهم بیشتری برخوردار می‌شوند (مانند صنایع پتروشیمی و صنایع انرژی‌بر مثل فولاد) و به برخی از صنایع دیگر سهم بسیار ناچیزی تعلق می‌گیرد (مانند صنایع پوشاک). بنابراین در کشورهای مزبور، سود ناشی از فعالیت در برخی از صنایع بالاتر بوده که در نتیجه منابع مالی، انسانی و فیزیکی بیشتری را به خود جذب کرده و بزرگ می‌شوند و برخی صنایع دیگر (شامل شرکت‌های کوچک و متوسط SME)^۲ که قدرت رقابت در جذب منابع مذکور را نسبت به صنایع برخوردار از رانت ندارند، از بین می‌روند یا رشدی نخواهند داشت.

در مجموع می‌توان گفت که در کشورهای صادرکننده نفت، وجود بیماری هلندی می‌تواند سبب تغییر در اندازه و دینامیک بازارها و تعداد شرکت‌های کوچک در یک حوزه اقتصادی شود که این دو از عوامل مؤثر بر خلق شرکت‌های جدید هستند.

د) محیط جغرافیایی

۱. به کتاب مدیریت اقتصاد کلان در کشورهای صادرکننده نفت، فصل نهم، مرکز پژوهش‌های مجلس مراجعه شود.

۲. Small and Medium – Sized Enterprises (SME)

محیط جغرافیایی و خوشه‌ها، میزان ایجاد شرکت‌های جدید را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرصت‌های کارآفرینانه در یک حوزه جغرافیایی از طریق افرادی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد که در شرکت‌های آن منطقه آموزش دیده یا کار می‌کنند. افرادی که از دانش کسب‌وکار و فنی شرکت‌های آن منطقه یاد گرفته‌اند و از نوآوری‌های مربوط به کارشناسان بهره‌برداری می‌کنند. اثر تجربه ناشی از کار قبلی، منبعی برای شرکت‌های جدید است (Bhide, 2000).

در مناطق و دوره‌های زمانی معینی، محیط جغرافیایی نقش اساسی ایفا می‌کند. بنابراین، مارشال (Marshall, 1961, 1890)، زمانی که به منطقه شفلید^۱ و کیفیت فولادش اشاره می‌کند، می‌نویسد که «در چنین مناطقی، توانایی‌ها در هوا وجود دارند» و تنها زمانی می‌توان به آن دست یافت که توانایی‌های کارآفرینانه وجود داشته باشد. اگرچه امروزه اکثر محصولات را می‌توان در هر جایی تولید کرد، ولی این امر همیشه صادق نیست. برخی فعالیت‌ها در فضاها معینی متمرکز شده‌اند و برمبنای «برند تاریخی»^۲ یا تبیین مفهوم مارشال از منطقه صنعتی به‌عنوان نتیجه صرفه‌های بیرونی نسبت به صنعت و صرفه‌های درونی مقیاس خوشه‌های صنعتی یا مناطق صنعتی مارشالی^۳ از طریق گروه‌بندی مجموعه‌ای از دارایی‌های محسوس (شرکت‌ها و زیرساختار) و دارایی‌های نامحسوس (دانش و فناوری) و عوامل نهادی (مدیریت اجرایی و مراکز تحقیقاتی و آموزشی) شکل می‌گیرند که به صورت به هم پیوسته در یک فضای جغرافیایی محدود عمل کرده و به وجود می‌آیند.

چهار ویژگی خوشه‌های منطقه‌ای به خلق یا بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی منجر می‌شوند. اول، منابع و توانایی‌های حیاتی برای موفقیت یک شرکت را می‌توان در این مناطق آسان‌تر از یک شرکت منزوی^۴ یافت. دوم، خوشه منطقه‌ای فعالیت‌های مشترک در میان چندین شرکت در خوشه را ترغیب می‌کند زیرا چنین فعالیت‌هایی در خوشه صنعتی با هزینه‌های حمل‌ونقل و ارتباطات پایین‌تر، موجودی‌های انبار کمتر، تحقیقات مشترک صورت می‌گیرد که به ایجاد شرکت‌هایی با ارتباطات افقی و عمودی منجر می‌شود. سوم، خوشه‌ها به انباشت دانش خاص مشترک در یک منطقه (Dosi, 1988) و نیروی کار تخصصی که از تازه‌واردین حمایت می‌کند، منجر می‌شود. چهارم، مدیران و کارگران تمایل دارند که در یک منطقه جغرافیایی محدود زندگی و کار کنند، ارتباطات مالکیت، روابط اجتماعی، انجمن‌های مشترک و روابط میان شرکت‌ها و نهادها در یک حوزه جغرافیایی اقتصادهای با مقیاس بهتر^۵ را ایجاد می‌کند. این امر به کاهش هزینه‌های مبادله، پویایی خلق

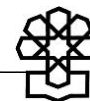
۱. Sheffield

۲. Historical Brand

۳. Marshalian Industrial Districts

۴. Isolated

۵. Agglomeration Economies



فرصت‌های جدید و جانشینی برای ادغام عمومی منجر می‌شود. این ارتباطات، تخصص و رقابت برای منابع قابل دسترسی نوآوری و خلق شرکت‌های جدید را در جمعیت محلی افزایش می‌دهد (Claessens, Djankov, Fan, & Lang, 1999). همزمان، فراوانی مثال‌های کارآفرینی در حوزه جغرافیایی محدود (مدل‌های محلی)، انگیزه‌ای برای توسعه کارآفرینان جدید ایجاد می‌کند. این امر به کاهش ریسک در مکان‌یابی مجدد کارگران، جذب سرمایه انسانی و ایجاد شهرت محلی منجر می‌شود که توسعه رفتار فرصت‌طلبانه را محدود می‌کند.

در کشورهای صادرکننده نفت که در یک دوره زمانی طولانی به درآمدهای نفتی تکیه کرده‌اند و در مدت مدیدی منابع حاصل از صادرات نفت و گاز را از طریق بودجه به اقتصاد خود تزریق کرده که سبب ایجاد رخوت و رکود در فعالیتهای کسب‌وکار از طریق سازوکارهای مختلف شده و خوشه‌های صنعتی به خوبی شکل نگرفته‌اند، انتظار می‌رود یادگیری از طریق انجام دادن^۱ کمتری در این کشورها رخ دهد. در واقع این تأثیر، حاصل بازخورد ناشی از تأثیر مخرب تزریق منابع حاصل از نفت و گاز بر محیط نهادی و اقتصادی کسب‌وکار و در نتیجه بر فرآیند کارآفرینی و کسب‌وکار است.

۲. محیط نهادی

محیط نهادی مفهومی است که تعریف آن مستلزم تعریف مفهوم نهاد است. به‌طور کلی نهادها در شکل قواعد و روال‌های تقویت‌کننده توسعه بخش خصوصی ظاهر می‌شوند و بازدهی حاصل از تولید بخش خصوصی را افزایش می‌دهند. محیط نهادی را می‌توان شامل اجزای نهادها و سیستم سیاسی، فرهنگ و ارزش‌ها، نظام آموزشی، علمی و تکنولوژی دانست. بر اساس نظریه عمومی کارآفرینی شین، ایجاد شرکت‌ها به محیط نهادی و سیاسی، نظام آموزشی و مدل علم و فناوری و به محیط فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی وابسته است. این عوامل، قواعد فراگیر رفتاری را فراهم می‌آورند که نه تنها کشف فرصت‌های کارآفرینی، بلکه مهمتر از آن، تبدیلهای آنها به واقعیت‌هایی در شکل شرکت‌ها را تسهیل می‌کنند.

الف) نهادها و سیستم سیاسی

در اغلب مطالعات انجام شده در زمینه نهادها، به تعاریف نورث استناد شده است. بنابر تعریفی که نورث از نهادها کرده است نهادها محدودیت‌هایی هستند که از جانب افراد بر تعاملات بین آنها تحمیل می‌شود. این محدودیت‌ها عبارتند از:

- قواعد رسمی شامل قانون اساسی، قوانین موضوعه، قوانین عادی و آیین‌نامه‌ها،
- محدودیت‌های غیررسمی شامل هنجارها، عرف و قوانین رفتاری خودتحمیل.

۱. Learning by Doing

نورث با تمایز قائل شدن بین سازمان‌ها و نهادها، سازمان‌ها را به بازیگران و نهادها را به قواعد بازی تشبیه می‌کند (North, 1991).

شومپیتر نیز از اصطلاح «جو اجتماعی»^۱ استفاده کرده که مفهومی پیچیده است و کل محیط سیاسی - اجتماعی که کارآفرین در آن عمل می‌کند را دربرمی‌گیرد و آن شامل ارزش‌های اجتماعی یک کشور خاص که کارآفرین باید در آن عمل کند و نظام آموزشی نیز می‌شود. یک عامل مهم در «جو»، فهم کارآفرین از قواعد بازی است. تغییرات در قواعد بازی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر کارآفرینی در اقتصاد بگذارد (Higgins B., 1968, p. 94). بر این اساس می‌توان محیط نهادی را بر اساس تعریف شومپیتر از جو اجتماعی در نظر گرفت که یک عامل آن «نهادها» خواهند بود که با قواعد بازی نورث منطبق است.

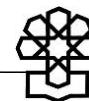
به گفته نورث، نهادها رفتار را شکل می‌دهند: «نهادها ساختار انگیزشی یک اقتصاد را تعیین می‌کنند، با تغییر ساختارها جهت تغییر اقتصادی به سمت رشد، رکود یا سقوط تغییر می‌یابد» (North, 1991, p. 97). بر این اساس، نهادهای قوی، نهادهایی هستند که ساختار انگیزشی اقتصاد را به صورتی شکل دهند که تغییر اقتصادی به سمت رشد اقتصادی باشد. به عبارت دیگر نهادهای قوی، رفتار بازیگران اقتصاد مانند دولت، کارآفرینان و سایرین را از طریق ساختار انگیزشی آنها در جهت رشد و توسعه اقتصادی شکل می‌دهند. نظام‌های حسابداری و حسابرسی و چارچوب‌های قانونی و نظارتی از جمله نهادهایی هستند که رفتار رانت‌جویانه افراد و رفتار غیرمحتاطانه مالی دولت را محدود می‌کنند و رفتار آنها را در جهت رشد و توسعه اقتصادی هدایت می‌کنند.

نهادهای یک کشور و عملکردشان سبب توسعه شرکت‌ها می‌شوند. برخی از نهادها با حمایت مؤثر از حقوق مالکیت و حداقل مداخله اجرایی، حجم بالاتری از سرمایه‌گذاری فیزیکی و سرمایه انسانی را همراه با استفاده مؤثر از این عوامل میسر می‌سازند. این نظریه مطرح است که تفاوت میان نهادها و سیاست‌های نظارتی^۲ کشورهای مختلف به تفاوت در توسعه شرکت‌ها منجر می‌شود. بنابراین نهادها نقشی مهم در رفتار کارآفرینانه برعهده دارند (Moran & Ghoshal., 1999).

حمایت از سرمایه‌گذاران نه تنها شامل حمایت از حقوق مالکیت می‌شود، بلکه حمایت از استفاده از اطلاعات و ایجاد محدودیت‌هایی برای مدیران و کارآفرینانی که به دنبال منفعت به زیان سهام‌داران هستند را نیز شامل می‌شود. حمایت از سرمایه‌گذاران نه تنها سبب توسعه بازارها و افزایش ارزش آنها می‌شود، بلکه به خلق شرکت‌های جدید از طریق تسهیل تأمین مالی تحت شرایط بهتر (Demirguc-Kunt & Maksimovic, 1998)، کاهش ریسک، تخصیص کارآتر منابع، و وجود

۱. Social Climate

۲. Regulatory Policies



یک بازار سرمایه خطرپذیر شامل فرشتگان کسب و کار، شرکای مالی، صندوق‌های سرمایه خطرپذیر یا سرمایه‌داران صرف، منجر می‌شود.

محیط سیاسی نیز می‌تواند توسعه شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. ایده‌های حمایت‌گرایانه^۱ و بازارهای در معرض هوس سیاسی^۲، تعداد رانت‌جویان و تصاحب ثروت به هزینه کارآفرینان مولد ثروت را افزایش می‌دهد و در نتیجه جو تحقیر^۳ فعالیت کارآفرینی به وجود می‌آید. اندازه و وزن فعالیت اقتصادی دولت و فعالیت نظارتی در مورد فعالیت کارآفرینانه جدیدی که به دنبال تغییر محیط است، و قدرت دولت در جستجوی رانت‌هایی که می‌توان بازار «سیاسی» نامید، افزایش می‌یابد. این امر با مداخله دولت از طریق سیاست صنعتی که رقابت را محدود و کارآفرینان را ترغیب به دنبال کردن یارانه‌ها، حمایت از شرکت‌های خارجی یا موقعیت‌های انحصاری می‌کند، رخ می‌دهد. برای مثال، تحلیل کارپرس و تافونل (Carreras & Tafunell, 1997, p. 299) از شرکت‌های بزرگ اسپانیایی در دوره ۱۹۹۰-۱۹۱۷، شکنندگی این شرکت‌ها را به دلیل مداخله بیش از حد دولت در اقتصاد^۴، هم از طریق شرکت‌های دولتی و هم از طریق مقررات بیش از حد^۵ و براساس جستجو برای کسب رانت‌ها را در این دوره نشان می‌دهد. موانع زیاد برای ورود به بازارها نه تنها نوآوری تازه واردین را کاهش می‌دهد، بلکه فشار رقابتی را با فعالین موجود و در طی زمان کاهش می‌دهد که در نهایت شرکت‌ها را تضعیف می‌کند (Cuervo, 2005).

یک چارچوب مداخله‌گرایانه با آزادی عمل دولت و سیاستمداران به تخصیص ناکافی منابع و شکل‌گیری محیطی ضدفعالیت کارآفرینانه منجر می‌شود. مداخله بیش از حد، عدم اطمینان به فعالیت کارآفرینان را افزایش داده و در نتیجه توسعه شرکت‌های جدید را محدود می‌کند درحالی که از رونق کسب و کارهای مورد حمایت نظام ارتباطات سیاسی و حتی همراه با رشوه حمایت می‌کند. بامول (Baumol, 1993) بین کارآفرینان خوب و بد براساس فعالیت‌های مولد یا نامولد^۶ آنها تمایز قائل شده که فعالیت‌های مولد به نوآوری و اشاعه فناوری‌ها مربوط می‌شود، اما فعالیت‌های نامولد به رانت‌جویی ارتباط می‌یابد. وی فعالیت‌های نامولد را مورد توجه قرار می‌دهد که رانت‌های به دست آمده سهمی در خلق محصولات برای جامعه ندارند. رفتار کارآفرینان در یک نقطه از زمان و مکان به قواعد بازی بستگی دارد به عبارت دیگر ساختار پاداش‌هایی که در اقتصاد وجود دارد، منابع را به فعالیت‌های مولد یا نامولد تخصیص می‌دهد.

۱. Protectionist

۲. Political Whim

۳. Disdain

۴. The Hyperactivity of Governmental Intervention

۵. High Vegulation

۶. Productive or Unproductive

نهادهای مهم در کشورهای صادرکننده نفت، نهادهایی هستند که تخصیص منابع عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این کشورها، رانت‌های حاصل از منابع طبیعی فراوان به مدیران دولتی فرصت‌های بیشتر و انگیزه‌های بزرگ‌تری می‌دهند تا با پرداخت رشوه به حمایت‌کنندگان سیاسی‌شان، در قدرت بمانند. به عبارت دیگر، آنچه که مهم است نهادهایی هستند که از طریق آن یک سیاستمدار در مقابل استفاده از منابع عمومی مسئول می‌شود یعنی نهادهایی که توانایی او را در مصون کردن قدرت سیاسی‌اش و ثروتمند شدنش از طریق سرمایه‌های عمومی محدود می‌کند.

بنابراین مجموعه‌ای از نهادها برای منفعت بردن اجتماع مهم هستند که شامل نهادهای تقویت‌کننده کارآیی بخش خصوصی و نهادهای تقویت‌کننده پاسخگویی مسئولین بخش عمومی می‌شوند. اولین مجموعه از نهادها امکانات تصرف خصوصی را محدود کرده در حالی که مجموعه دوم نهادها، امکانات تصرف مقامات دولتی را محدود می‌کنند.

در کشورهای صادرکننده نفت، رانت حاصل از صادرات نفت و گاز غالباً از طریق بودجه سنواتی دولت و رانت ناشی از قیمتگذاری داخلی فرآورده‌های نفت و گاز پایین‌تر از قیمت آزاد (جهانی) از طریق بودجه پنهان توزیع می‌شود و بازدهی رانت‌جویی در اقتصاد افزایش می‌یابد و چون رانت‌جویی و کارآفرینی دو فعالیت رقیب محسوب می‌شوند، افزایش بازدهی حاصل از رانت‌جویی، میزان کارآفرینی کشور را کاهش می‌دهد.

ب) نظام آموزشی، علمی و تکنولوژی

نظام آموزشی عاملی کلیدی در خلق سرمایه انسانی است که از توسعه شرکت‌ها و کارآفرینان پشتیبانی می‌کنند. ایجاد و توسعه کسب‌وکارها به دانشگاه‌ها هم به جهت آموزشی که ارائه می‌کنند و هم به دلیل تحقیق و نوآوری که ایجاد می‌کنند، بستگی دارد. مدل آموزشی که می‌تواند سرمشق قرار گیرد دانشگاه هامبولد برلین^۱ در شروع قرن نوزدهم یا مؤسسه تکنولوژی ماساچوست^۲، کالتک^۳ یا استنفورد امروزی به دلیل توانایی‌شان در حمایت از نسل شرکت‌های جدید هستند (Cuervo, 2005).

در شرایط فعلی، توسعه دانش و کارآفرینی، دارایی‌های ارزشمندتری از سرمایه سنتی یا منابع طبیعی نسبت به قبل محسوب می‌شوند. موفقیت یک بازار برای ایده‌ها (Casper & Murray, 2003) به نهادهای آموزشی فعال (Kenney, 1986)، نهادهای تأمین مالی ریسک (Lerner, 1995)، استعداد مدیریت (Higgins & Gulati, 2003) و همکاری درون شرکت^۴ (Carlson, 2003) نیازمند است.

در بخش‌هایی از اروپا، فرهنگ دانشگاه و کارمندان دولت، ارتباط مؤثر و مفید بین دانشگاه و

۱. Humboldt University of Berlin

۲. Massachusetts Institute of Technology (MIT)

۳. Caltech

۴. A cluster of Inter-firm Collaboration



شرکت و همچنین ارتباط و تحرک بین تحقیقات بنیادی و کاربردی را محدود می‌کند. به علاوه، فقدان نوآوری و تکنولوژی‌های جدید در میان شرکت‌ها نیز از ایجاد یک روح کارآفرینانه درون دانشگاه جلوگیری می‌کند. همچنین، محدودیت‌هایی برای ریسک‌پذیری و رفتار فعالان دانشگاه‌ها وجود دارد که به برنامه‌هایی آموزشی منجر می‌شود که توسعه فرهنگ کارآفرینانه که از ایجاد شرکت‌های جدید حمایت می‌کند را محدود می‌کند (Cuervo, 2005).

در کشورهای صادرکننده نفت، قیمتگذاری داخلی فرآورده‌های نفت و گاز پایین‌تر از بازار آزاد جهانی بر سطح تکنولوژی در کشورهای مزبور تأثیر منفی دارد به عبارت دیگر قیمت‌های پایین فرآورده‌های نفت و گاز در کشورهای مزبور سطح تکنولوژی در آن کشورها را پایین نگه می‌دارد، زیرا سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پیشرفته‌تر با مصرف انرژی کمتر، بازدهی مورد انتظار را نخواهد داشت. همچنین در کشورهای صادرکننده نفت، فقدان نوآوری و تکنولوژی‌های جدید در میان شرکت‌ها از ایجاد یک روح کارآفرینانه درون دانشگاه جلوگیری می‌کند. در واقع در این کشورها که تکیه به درآمدهای نفتی سبب ایجاد رخوت و رکود در فعالیت‌های کسب‌وکار از طریق سازوکارهای مختلف شده، نوآوری و تکنولوژی‌های جدید نیز از طرف شرکت‌ها کمتر مورد تقاضاست که این امر از ایجاد یک روح کارآفرینانه درون دانشگاه جلوگیری می‌کند.

ج) فرهنگ و ارزش‌ها

محیط فرهنگی برحسب ارزش‌ها و عقاید و مشروعیت فعالیت کارآفرینانه، انگیزه‌هایی برای بهره‌برداری از فرصت‌ها ایجاد می‌کند. بحث‌هایی مطرح است که برخی مذاهب نسبت به برخی دیگر کمتر کارآفرینانه هستند. بحث قدیمی مطرح، مقایسه کاتولیک و پروتستان (Weber, 1930) است که در آن کالوینیسم^۱ مدلی از یک اخلاق پروتستان دارای اعمال ریاضتی، ممنوعیت تجمل‌گرایی^۲ و پذیرش سود و انباشت سرمایه ناشی از کسب‌وکار است. این دیدگاه تحقیقی امروزه به‌عنوان یک تحقیق تجربی، ناقص تلقی شده و ارتباطی بین مذهب و فعالیت کارآفرینانه مشاهده نمی‌شود (Dodd & Seaman, 1999).

مشروعیت فعالیت کارآفرینانه در جامعه در نقطه‌ای از زمان اهمیت دارد. مشروعیت را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها نگرست که پشتیبانی اجتماعی و اخلاقی را همراه یا بدون حمایت قانونی از فعالیت‌های معینی انعکاس می‌دهد. ارزش‌های جامعه یا تجربه قبلی کارآفرینان در جامعه، مشروعیت را تقویت و از کارافتادن محدودیت‌های قانونی و هنجارهای فرهنگی در تضاد با روح کارآفرینی را تسهیل می‌کند. ایجاد شرکت‌ها نه تنها صنعت را تغییر می‌دهد، بلکه به‌عنوان عامل شتاب‌دهنده^۳ برای ایجاد شرکت‌های جدید در سایر صنایع کار می‌کند (Bygrave & Minniti,

۱. Calvinism

۲. Luxury

۳. Catalyst

(2000).

ارزش‌هایی وجود دارند که تمجید موفقیت و پذیرش شکست، تغییر و خلاقیت را پشتیبانی می‌کنند. فرهنگ، نظامی از ارزش‌ها، عقاید و مفروضات است که بر فعالیت‌ها و روش انجام کارها اثر دارد. یک فرهنگ پیشرو^۱ بر مبنای پنج ارزش است: خودمختاری یا آزادی اقدام مستقل، نوآوری یا آزادی آزمایش، پذیرش ریسک‌ها، پشتیبانی از ابتکار عمل و رقابت‌پذیری (Lumpkin & Dess, 1996). در مقابل، جوامع سنتی بر احترام به وضع موجود و عدم پذیرش تغییر متمرکز هستند. برای مثال، گزارش کمیسیون اروپا در مارس ۲۰۰۴ درباره ایجاد شرکت‌ها، ریسک‌گریزی و ترس از شکست بالاتری را در اروپا نسبت به ایالات متحده نشان می‌دهد که در نرخ پایین‌تر ایجاد شرکت در اروپا منعکس می‌شود: تنها ۴ درصد از اروپایی‌ها در ایجاد کسب‌وکار جدید در سه سال اخیر در مقایسه با ۱۲ درصد آمریکایی‌ها درگیر شده‌اند (Cuervo, 2005).

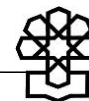
در نهایت، در جامعه‌ای که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در سطح بالایی قرار داشته و افراد به شدت متعهد به احترام به آنها هستند، اعتماد وجود دارد و تمایل به درگیر شدن در رفتار فرصت‌طلبانه محدود است. بازارهای داخلی به‌طور کارآمد عمل می‌کنند. مدیران مجری این بازارها درستکار بوده و به شدت کار می‌کنند (Casson M., 2003, p. 284). در مقابل، در جامعه‌ای که هنجارها در سطح پایینی قرار داشته و پشتیبانی ضعیفی از این هنجارها به عمل می‌آید، اعتماد وجود نداشته و فرصت‌طلبی مسئله‌ای جدی می‌شود. تفاوت‌های میان کشورها در فعالیت کارآفرینانه به مجموعه‌ای از نهادها بستگی دارد که رفتار بخش خصوصی در هر کشور را هدایت یا محدود می‌کند (Busenitz, Gómez, & Spencer, 2000).

در کشورهای صادرکننده نفت، توزیع رانت‌های حاصل از فروش نفت و گاز از طریق بودجه (شامل بودجه پنهان) و با افزایش بازدهی رانت‌جویی بر فرهنگ و ارزش کار و کارآفرینی به‌عنوان یک عامل محیط نهادی کسب‌وکار تأثیر منفی دارد. در این جوامع، توزیع رانت‌های حاصل از صادرات نفت و گاز سبب شکل‌گیری فرهنگی شده است که بر حفظ وضع موجود و عدم پذیرش تغییر متمرکز است.

۳. بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی

فرصت‌های کارآفرینی را می‌توان به دو نوع فرصت تقسیم کرد: فرصت‌های نوآورانه و فرصت‌های آربیتراژ. فرصت‌های نوآورانه، موقعیت‌هایی هستند که در آن کالاها و خدمات، مواد خام، بازارها و روش‌های سازماندهی جدید از طریق تشکیل ابزارها، اهداف یا ارتباطات اهداف - ابزارهای جدید ارائه می‌شوند. کارآفرینان فرصت‌های نوآورانه را از طریق ترکیب منابع به روش‌های بدیع برای ایجاد

۱. Progressive



محصولات، فرآیندها، مواد خام، خدمات یا روش‌های سازماندهی جدید خلق می‌کنند (Schumpeter, 1934). این فرصت‌ها براساس یک قاعده در قالب شرکت‌های جدید رخ می‌دهند (Schumpeter, 1934, pp. 55-57). این نوع از فرصت‌های نوآورانه، کانون توجه محققان کارآفرینی برای سالیان طولانی بوده است.

علاوه بر فرصت‌های نوآورانه، محققان اذعان دارند که شرکت‌های جدید می‌توانند با بهره‌برداری از یک نوع متفاوت از فرصت‌ها ایجاد شوند. این فرصت‌ها همراه با شکست سازوکار بازار برای شناسایی سریع تغییرات در عرضه و تقاضای منابع (یا عوامل تولید) و کالاها و خدمات منتج از آن به وجود می‌آیند (Kirzner I. M., 1997). دو نوع فرصت‌های آربیتراژ را می‌توان تشخیص داد: آربیتراژ بازار و آربیتراژ فنی. تغییرات در توزیع تقاضای عوامل تولید و کالاها و خدمات منتج از آن، می‌تواند ناشی از یک سری از عوامل شامل تغییر در رجحان‌های مصرف‌کننده، کشف ذخایر مواد خام جدید، بی‌ثباتی سیاسی و تکنانه‌های برون‌زا مانند بلاهای طبیعی باشد. در جایی که برای سرعت اطلاعات مربوط به تکنانه‌ها در تعامل بین عرضه و تقاضا مانع وجود دارد، سازوکارهای قیمتی خاموش خواهند بود و فرصت‌های موقتی آربیتراژ بازار ایجاد خواهد شد. افرادی که چنین فرصت‌هایی را تشخیص بدهند می‌توانند از «خرید با قیمت پایین و فروش در قیمت بالا» مادامی که تفاوت‌های قیمتی وجود دارند، سود ببرند (Kirzner I. M., 1997). از طرف دیگر، فرصت‌های آربیتراژ فنی با تقلید از نوآوری دیگران صورت می‌پذیرد (Lane, Lipschitz, & Mourmouras, 2002). آربیتراژ فنی به روشنی جهتی مهم از فرآیند کارآفرینانه و شاید حتی بیش از فرصت‌های نوآورانه را تشکیل می‌دهد. از آنجا که آربیتراژان مقلد به سرعت از نوآوران پیروی می‌کنند (Rivkin, 2001)، بخش قابل توجهی از شرکت‌های جدید توسط آربیتراژان مقلد ایجاد می‌شوند (Aldrich H. E., 1999).

اغلب نوآوری‌های جدید روش‌های کارآتری برای بهره‌برداری از عوامل تولید ارائه می‌کنند که نوآوران را قادر می‌سازد که با کاهش هزینه‌ها سودآوری خود را بالا ببرند. پیشرفت در نوآوری برای کارآفرینان مقلد هوشیار فرصت‌های فنی محدود و موقتی به وجود می‌آورد تا با تقلید سریع از هر پیشرفت فنی به دنبال مزیت در هزینه باشند. بنابراین آربیتراژ فنی شامل فعالیت تقلیدی می‌شود که پیشرفت‌های فنی جدید را اشاعه داده و بر اقتصاد تأثیر می‌گذارد (Anokhin, Wincent, & Autio, 2011).

شومپیتر (۱۹۳۴) کارآفرینانی را مورد توجه قرار داد که عمدتاً از فرصت‌های نوآورانه بهره‌برداری می‌کردند. اما، شرکت‌های جدید ممکن است به واسطه بهره‌برداری از فرصت‌های آربیتراژ فنی نیز ایجاد شوند و معقول به نظر می‌رسد که اقتصاد را حاوی کارآفرینانی که به دنبال فرصت‌های نوآورانه و هم فرصت‌های آربیتراژ و همراه با ترکیب آنها هستند، در نظر بگیریم. هر نوآوری که توسط هرکسی در هر صنعتی ایجاد شود، فرصت‌های آربیتراژ فنی برای همه شرکت‌ها و افرادی که آن را شناسایی کنند، باز می‌کند. به‌طور مشابه نوآوری‌های ایجاد شده در کشورهای توسعه یافته، فرصت‌های آربیتراژ فنی را

برای کشورهای کمتر توسعه یافته فراهم می‌آورد (Lane, Lipschitz, & Mourmouras, 2002, p. 15) در این گزارش منظور از فرصت‌های کارآفرینی، فرصت‌های نوآورانه و فرصت‌های آربیتراژ فنی است و بر فرصت‌های نوآورانه به‌عنوان منبع اولیه و مهم ایجاد شرکت‌های جدید تأکید می‌شود.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحقیق کمی استفاده شده است و به منظور اندازه‌گیری کمی شرایط محیط کسب‌وکار (محیط نهادی و محیط اقتصادی) از شاخص‌های تبدیل‌یافته پایش محیط کسب‌وکار مرکز پژوهش‌های مجلس و به منظور کمی کردن فرصت‌های کارآفرینی از روش تحلیل پوششی داده‌ها استفاده شده است.

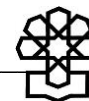
الف) کمی کردن شرایط محیط کسب‌وکار

گروه مطالعات محیط کسب‌وکار در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در ابتدای تشکیل در زمستان ۱۳۸۸، براساس تعریف «محیط کسب‌وکار»، از حدود ۸۰ تشکل اقتصادی سراسر کشور شامل اتاق‌های بازرگانی صنایع و معادن، انجمن‌های مدیران صنایع، شوراهای اصناف، خانه‌های صنعت و معدن و کانون‌های عالی کارفرمایی، درخواست کرد تا «عواملی که بر عملکرد و اداره بنگاه‌های زیرمجموعه خود مؤثر؛ اما خارج از کنترل مدیران بنگاه‌ها هستند»^۱ را معرفی کنند. طی سه مرحله نظرخواهی مکرر با روش دلفی از جامعه آماری یاد شده، در بهمن‌ماه ۱۳۸۸ تا خردادماه ۱۳۸۹، مجموعاً ۲۲ عامل یا مؤلفه محیط کسب‌وکار ایران شناسایی شد. البته در این گزارش از ۶ مؤلفه اصلی آن برای اندازه‌گیری کمی شرایط محیط کسب‌وکار استفاده می‌شود.

در تدوین این مؤلفه‌ها تلاش شد هر مؤلفه با تعابیری معرفی شود تا حداکثر مفاهمه و برداشت از مفهوم هر مؤلفه میان تدوین‌کننده، خوانندگان گزارش و نیز ارزیابی‌کنندگان هر مؤلفه ایجاد شود. به همین دلیل برخی مؤلفه‌ها با عباراتی نسبتاً مفصل توصیف شده‌اند. درحالی که مؤلفه‌های مشابه در گزارش‌های بین‌المللی با عبارات کوتاه‌تری معرفی می‌شوند، در این گزارش‌ها هر مؤلفه از چندین نماگر تشکیل شده که مفاهمه و دقت آن گزارش‌ها را بیشتر کرده است.

به‌منظور محاسبه شاخص ارزیابی هر مؤلفه ابتدا میانگین ارزیابی تشکل‌های هر استان در هر بخش P_{ij} محاسبه شد. در فرمول زیر P_{ijk} ارزیابی تشکل‌های اقتصادی مشارکت‌کننده (i) هر استان (j) در هر بخش (k) است و اندیس k نشان‌دهنده تشکل مورد نظر است.

۱. جمله داخل گیومه، تعریف محیط کسب‌وکار (Business Environment) بر اساس تعریف چرچمن (Churchman, 1974) محسوب می‌شود.



$$P_{ij} = \frac{\sum_{k=1}^n P_{ijk}}{n}$$

شایان ذکر است در مواردی که میانگین ارزیابی هر استان در هر بخش موجود نبود از برآورد آن براساس دوره‌های گذشته استفاده شد.

وزن‌های استانی W_i برای محاسبه شاخص هر مؤلفه براساس سهم استان از تولید ناخالص داخلی بدون نفت کل کشور و وزن‌های بخشی S_j براساس سهم بخش از تولید ناخالص داخلی بدون نفت کل کشور محاسبه شده است. شایان ذکر است که وزن تشکل‌های اقتصادی که در بیش از یک استان شعبه داشته و ماهیت سراسری دارند^۱ با وزن ۵۰ درصد از نظر تعلق استانی لحاظ شده‌اند.

جدول ۱. وزن‌های بخشی S_j

بخش مربوطه	وزن براساس سهم هر بخش از تولید ناخالص داخلی بدون نفت سال ۱۳۹۰ (درصد)
کشاورزی	۱۰/۶۸
صنعت و معدن	۳۱/۳۹
خدمات	۵۷/۹۳
جمع	۱۰۰

جدول ۲. سهم هر استان از تولید ناخالص داخلی بدون نفت (وزن‌های استانی W_i) (درصد)

استان	وزن	استان	وزن
آذربایجان شرقی	۱/۹۱	فارس	۲/۴۹
آذربایجان غربی	۱/۲۵	قزوین	۰/۸۵
اردبیل	۰/۵۸	قم	۰/۵۹
اصفهان	۳/۵۷	کردستان	۰/۶۱
البرز	۱/۵۷	کرمان	۱/۶۲
ایلام	۰/۲۷	کرمانشاه	۱/۰۲
بوشهر	۱/۶۹	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۲۶
تهران	۱۳/۹۷	گلستان	۰/۷۰
چهارمحال و بختیاری	۰/۴۰	گیلان	۱/۲۷
خراسان جنوبی	۰/۲۹	لرستان	۰/۷۰
خراسان رضوی	۳/۳۰	مازندران	۲/۰۲
خراسان شمالی	۰/۳۵	مرکزی	۱/۰۲
خوزستان	۲/۹۲	هرمزگان	۰/۹۷
زنجان	۰/۵۲	همدان	۰/۸۹
سمنان	۰/۵۵	یزد	۱/۰۸

۱. براساس ماده (۱) قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، آن دسته از تشکل‌های اقتصادی که در چندین استان کشور شعبه و عضو داشته باشند «تشکل اقتصادی سراسری» نامیده می‌شوند.

وزن	استان	وزن	استان
۵۰	تشکل‌های کشوری ^۱	۰/۷۵	سیستان و بلوچستان

بر اساس وزن‌های بخشی S_j شاخص ارزیابی هر مؤلفه در هر استان با استفاده از فرمول زیر محاسبه می‌شود.

$$I_i = \sum_{j=1}^3 S_j P_{ij}$$

و بر اساس وزن‌های استانی W_i شاخص ارزیابی هر مؤلفه در هر بخش با استفاده از فرمول زیر محاسبه می‌شود.

$$I_j = \sum_{i=1}^m W_i P_{ij}$$

بر اساس وزن‌های استانی W_i و وزن‌های بخشی S_j شاخص ارزیابی هر مؤلفه در کل با استفاده از فرمول زیر محاسبه می‌شود.

$$I = \sum_{i=1}^m \sum_{j=1}^3 W_i S_j P_{ij}$$

بر اساس این روابط زیر بین شاخص‌های ارزیابی هر مؤلفه برقرار است.

$$I = \sum_{j=1}^3 S_j I_j$$

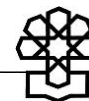
$$I = \sum_{i=1}^n W_i I_i$$

در انتها نیز میانگین شاخص‌های ارزیابی مؤلفه‌ها به‌عنوان میانگین وزنی ارزیابی تشکل‌های اقتصادی مشارکت‌کننده در این مطالعه از مؤلفه‌های ملی محیط کسب‌وکار محاسبه می‌شود.

شاخص ارزیابی تشکل‌های اقتصادی از مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار در این گزارش می‌تواند به‌عنوان یک متغیر جانشین^۲ برای نشان دادن شرایط محیط کسب‌وکار ایران به‌کار رود. محاسبه شاخص بر مبنای نظر تشکل‌های اقتصادی ایران به‌جای بنگاه‌ها این مزیت را دارد که تأثیر محیط درونی بنگاه‌ها بر روی ارزیابی مؤلفه‌های مورد بررسی را حداقل می‌کند و در واقع تشکل‌ها به‌عنوان واحدهایی که تحت تأثیر محیط درونی یک بنگاه خاص نبوده و از محیطی که بنگاه‌ها با آنها در تعامل

۱. وزن تشکل‌های کشوری بر اساس نظر هیئت علمی این مطالعه برابر با مجموع وزن همه استان‌ها در نظر گرفته شده است. از آنجا که مجموع وزن همه استان‌ها و تشکل‌های کشوری باید برابر ۱۰۰ درصد باشد، وزن تشکل‌های کشوری ۵۰ درصد به‌دست می‌آید.

۲. Proxy



هستند اطلاع دارند، برای محاسبه متغیر جانشین شاخص محیط کسب و کار ایران و نیز سیاستگذاری‌های مربوط به بهبود محیط کسب و کار در کشور مناسب به نظر می‌رسد.

شایان ذکر است که در این گزارش از شاخص‌های تبدیل یافته پایش محیط کسب و کار مرکز پژوهش‌های مجلس استفاده شده است که تابع تبدیل آن به صورت زیر بوده و در آن عدد بزرگ‌تر به معنی بهبود در محیط است و دامنه برد آن نیز از صفر تا ۹۹/۹۹ (تقریباً برابر ۱۰۰) است.

$$I_T = \left(\frac{10 - I}{10} \times 100 \right) \times 1.111$$

ب) کمی کردن فرصت‌های کار آفرینی

اما چگونه می‌توان مقدار فرصت‌های نوآورانه و آربیتراژ فنی موجود در اقتصاد را اندازه‌گیری کرد؟ آیا آنها هیچ اثری از خود در اقتصاد بر جای نمی‌گذارند؟ آیا روشی برای اندازه‌گیری کمی آنها براساس مدل‌ها و روش‌های سازگار و به لحاظ تجربی قابل قیاس وجود دارد؟

با استفاده از ایده مرز تولید می‌توان حداقل به یک روش مستقیم، صریح و قابل اعتماد و به لحاظ روش‌شناسی دقیق، فرصت‌های نوآورانه و فرصت‌های آربیتراژ فنی را اندازه‌گیری کمی کرد (Anokhin, Wincent, & Autio, 2011).

در هر سطحی از تحلیل - فرد، شرکت، صنعت یا اقتصاد ملی - عوامل تلاش می‌کنند که بهترین ترکیب ممکن از منابع را برای تولید محصولات معین به کار ببرند. برای مثال، مقدار نیروی کار و سرمایه‌ای که کشورهای مختلف برای تولید ۱ دلار از GDP از ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۲ به کار برده‌اند را مشاهده کنید (شکل ۲). برخی از اقتصادها به نسبت مقدار کمتری از این منابع برای تولید مقدار مشخصی از GDP به کار برده‌اند، در حالی که کشورهای کمتر کاراً از نسبت بالاتری از نیروی کار، سرمایه یا هر دو برای رسیدن به همان هدف استفاده کرده‌اند. در هر زمان مشخص کشورها تلاش می‌کنند تحت تکنولوژی موجود بهترین استفاده را از منابع خود ببرند و بنابراین مرز تولید را تعریف می‌کنند. آنها به این معنی کاراً هستند که هیچ تکنولوژی شناخته شده‌ای در جای دیگر وجود ندارد که بتواند با منابع کمتر همان مقدار تولید را به دست دهد. همچنین کشورهایی وجود دارند که کاراً نیستند و با فاصله از مرز تولید در شکل قرار دارند. برای این کشورها امکان حرکت به طرف مرز در طی زمان وجود دارد. به عبارت دیگر، فرصت‌های آربیتراژ فنی قابل دسترس هستند و با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های توسعه یافته در جاهای دیگر می‌توانند مسیر کشورهای کارآتر را دنبال کنند. با در نظر گرفتن این منطق اقتصادی، می‌توان نشان داد که چگونه از ایده مرز تولید می‌توان برای برآورد فرصت‌ها استفاده کرد.

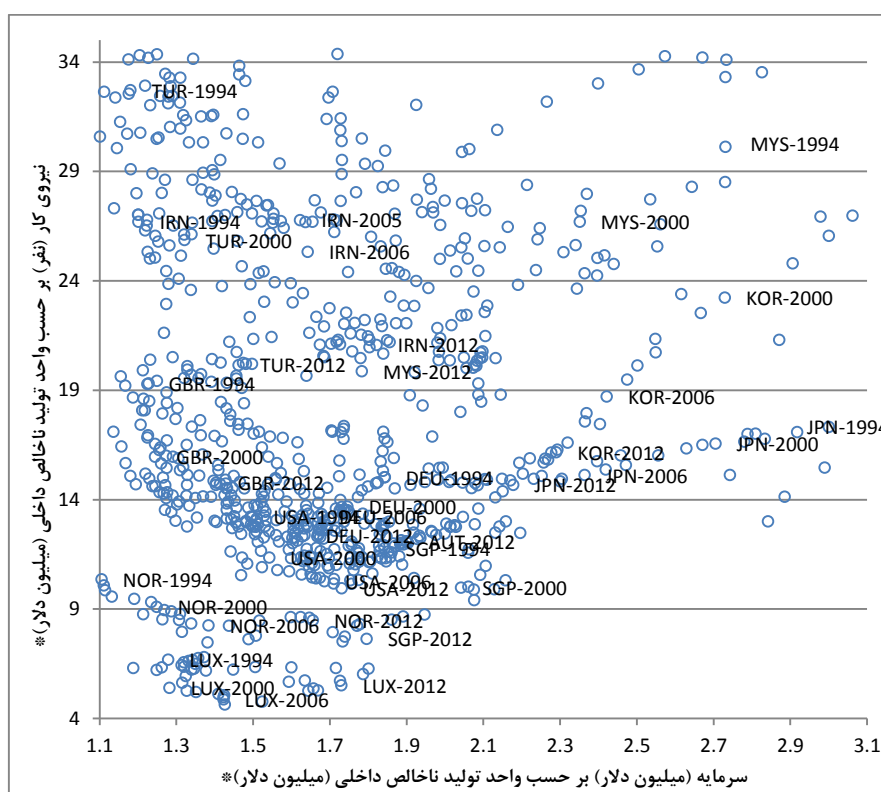
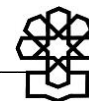
برای مثال ایران در سال ۲۰۱۲ برای تولید یک میلیون دلار به قیمت ثابت ۲۰۱۱ و برابری قدرت خرید از حدود ۱/۸۲ میلیون دلار سرمایه و ۲۱ نفر نیروی کار استفاده کرده است در حالی که

ترکیه در همان سال برای همان مقدار تولید از حدود ۱/۴۶ میلیون دلار سرمایه و ۲۰ نفر نیروی کار استفاده کرده است بنابراین ترکیه در سال مذکور نسبت به ایران کارآتر عمل کرده و به مرز تولید نزدیک‌تر بوده است. تکنیک برنامه‌ریزی ناپارامتریک شناخته شده با عنوان تحلیل پوششی داده^۱ امکان برآورد مرز تولید و محاسبه شاخص فرصت‌های نوآورانه و آربیتراژ فنی را به دست می‌دهد. با توجه به آنکه فاصله ایران از مرز تولید بیشتر از فاصله ترکیه از مرز تولید است بنابراین ایران فرصت‌های آربیتراژ فنی بیشتری نسبت به ترکیه در اختیار دارد که در جدول ۴ میانگین هندسی ۱۸ ساله شاخص فرصت‌های آربیتراژ برای ایران ۱/۰۱۷ و برای ترکیه ۱/۰۰۰ محاسبه شده است که نشان می‌دهد ترکیه از فرصت‌های آربیتراژ فنی در دنیا برای انتقال تکنولوژی به کشور خود به خوبی استفاده کرده و تقریباً از همه فرصت‌های آربیتراژ فنی استفاده کرده و فرصت‌های آربیتراژ فنی کمتری برای این کشور نسبت ایران باقیمانده است در حالی که برای ایران هنوز فرصت‌های آربیتراژ فنی وجود دارد که از آن استفاده نشده است. از آنجا که هر دو کشور از مرز تولید فاصله دارند هر دو در سطح کلان از فرصت‌های نوآوری کمی بهره‌برداری کرده‌اند که میانگین هندسی ۱۸ ساله شاخص فرصت‌های نوآوری در جدول ۴ برای ایران ۰/۹۹۸ و برای ترکیه ۰/۹۹۵ این امر را نشان می‌دهد.

شکل ۲. بهره‌برداری از سرمایه و نیروی کار بر حسب تولید ناخالص داخلی، ۱۹۹۴-۲۰۱۲

۱. Data Envelopment Analysis (DEA)

۲. کدهای کشورها در جدول ۱ فهرست شده است.



مآخذ: آمار بانک جهانی و محاسبات محقق.

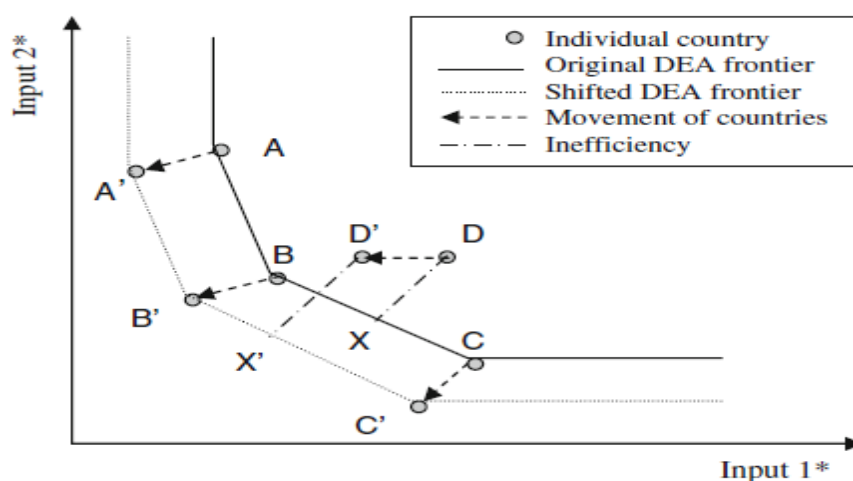
* دلار برابری قدرت خرید به قیمت‌های ثابت ۲۰۱۱.

تکنیک برنامه‌ریزی ناپارامتریک شناخته شده با عنوان تحلیل پوششی داده امکان برآورد مرز تولید و محاسبه متغیرهای جانشین برای فرصت‌های نوآورانه و آربیتراژ فنی را به دست می‌دهد. این تکنیک با سابقه طولانی در اقتصاد، اخیراً در مدیریت استراتژیک (Durand & Vargas, 2003) و نوآوری (Thursby & Thursby, 2002) مورد استفاده قرار گرفته است. با مقایسه همه ترکیب‌های قابل مشاهده نهاده‌ها و بازده‌های کشورهای در یک مجموعه داده، روش DEA بهترین مرز تولید را محاسبه می‌کند. بنابراین، مرز مذکور بهترین تکنولوژی شناخته شده - که به‌طور تجربی از داده‌ها استنباط شده است - را در هر نقطه از زمان ارائه می‌کند. کشورهای کارآ بر روی مرز قرار دارند؛ رتبه‌بندی کشورهای با کارآیی یکسان، پیچیده اما امکانپذیر است (Xue & Harker, 2002) کشورهای ناکارآ با فاصله‌ای از مرز قرار دارند و این فاصله به‌عنوان معیارهای از ناکارآیی‌شان مفهوم‌سازی شده است. کارآیی هر کشوری براساس با نزدیک‌ترین قطعه از مرز تولید ارزیابی می‌شود.

مرز تولید اشاره به بهترین استفاده ممکن (ترکیب) از منابع تحت یک تکنولوژی معین دارد که به‌عنوان روشی برای تبدیل منابع به محصولات مطلوب در نظر گرفته می‌شود. در واقع مرز، تکنولوژی معیار^۱ را ارائه می‌کند. در مثالی، در شکل ۳ شهود پشت مفهوم مرز تولید نشان داده شده است که در آن کشورهای A، B و C کشورهای دارای تکنولوژی کارآ هستند: آنها از نهاده‌های ۱ و ۲ (مانند نیروی

کار و سرمایه) به‌طور مؤثر بهره‌برداری می‌کنند و بنابراین مرز تولید با خطی که از نقاط A، B و C عبور می‌کند، تعریف می‌شود. کشور D ناکارآست؛ برای این کشور فرصت‌های آربیتراژ فنی وجود دارد که می‌توان با خط چین DX نشان داد.

شکل ۳. فرصت‌های نوآورانه، آربیتراژ فنی و مرز تولید



Source: Anokhin, Wincent, & Autio, 2011.

* مقادیر نهاده ۱ و ۲ مورد استفاده برای تولید مقداری یکسان از محصول

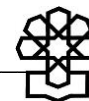
در طول زمان کشورها دستخوش تغییرات مشخصی (با پیکان نشان داده شده است) در روش ترکیب منابع (نهادهای ۱ و ۲) برای تولید همان مقدار از تولید مشخص (مانند GDP) قرار می‌گیرند. مرز اصلی تولید در نتیجه نوآوری به پایین انتقال می‌یابد. مرز جدید به وسیله خطی که از نقاط A'، B' و C' عبور می‌کند نشان داده شده است. در حالی که برای کشور D (که در این مثال هنوز ناکارآست) فرصت‌های آربیتراژ فنی با خط D'X' نشان داده شده است. به‌طور آشکار، این مثال ساده‌سازی بیش از حدی از ایده پشت تکنیک تخمین کارایی است، اما آن شهود پشت تکنیک را به‌طور دقیق نشان می‌دهد.

در طی زمان کشورها افزایش در بهره‌وری را در دو روش تجربه می‌کنند:

۱. از طریق حرکت به طرف مرز تولید موجود؛ یا بهینه‌سازی (یعنی نقطه D' در شکل ۳ از نقطه D به مرز تولید نزدیک‌تر است).

۲. از طریق انتقال خود مرز تولید ناشی از پیشرفت در تکنولوژی مؤثر فعلی یا نوآوری.

با ردیابی تغییرات مرز تولید در طول زمان و همچنین تغییرات موقعیت نسبی کشورها با توجه به مرز، می‌توان تغییر در بهره‌وری کل کشور را به دو جزء تجزیه کرد: تغییر فنی و تغییر کارایی. این تکنیک اولین بار توسط مالوم کویست (۱۹۵۳) معرفی شد و به‌عنوان تجزیه شاخص بهره‌وری مالوم کویست شناخته شده است. جزء اول (تغییر فنی) به‌عنوان معیاری از نوآوری مورد پذیرش همگانی



واقع شده است (Färe, Grosskopf, Norris, & Zhang, 1994; Thursby & Thursby, 2002) و به وسیله جابجایی قطعه‌های مرز تولید اصلی ارائه می‌شود. اساساً، آن پیشرفت در بهره‌وری کل ناشی از پیشرفت فنی را نشان می‌دهد و بنابراین صرفنظر از طبیعت پیشرفت با مبانی نظری کارآفرینی، سازگار است (Penrose, 1959; Schumpeter, 1934). جزء دوم بهینه‌سازی در چارچوب ابزارها و اهداف مشخص با تغییر کارآیی تحت تکنولوژی مفروض را نشان می‌دهد که با آربیتراژ فنی یا حرکت کشورهای کمتر کارآ به طرف مرز ایجاد شده توسط کشورهای معیار تطابق دارد.

برخلاف متغیرهای مربوط به R&D یا ثبت اختراع که معیارهای دارای اختلال^۱ از نوآوری هستند، معیار برمبنای روش تحلیل پوششی داده‌ها، انعکاسی نسبتاً بدون اختلال^۲ از نوآوری و انتقال مرز تولید است. براین اساس، آن شاخص قدرتمندتر و عالی‌تر از فرصت‌های نوآورانه است، بنابراین استفاده از تغییر فنی مبتنی بر شاخص مالم کویست به‌عنوان معیاری مستقیم از فرصت‌های نوآورانه بدون توسل به متغیرهای جانشینی مانند شدت R&D پیشنهاد می‌شود. اندازه تغییر فنی، مقدار فرصت‌های نوآورانه ایجاد شده در اقتصاد در هر سال را نشان می‌دهد. مقادیر تغییر فنی برای هر سال بالاتر از عدد یک نشان می‌دهد که تکنولوژی مرجع به کار رفته در یک سال خاص بالاتر از تکنولوژی به کار رفته در سال قبل است. بنابراین، تغییر فنی ۱/۰۵ نشان خواهد داد که تکنیک اتخاذ شده در سال دوم ۵ درصد مؤثرتر از سال اول است.

برهمن اساس، تغییر کارآیی را می‌توان به‌عنوان معیار دینامیک فرصت‌های آربیتراژ فنی به کار برد. آن متمایل بر ثبت آثار بهره‌برداری از ظرفیت، تفاوت‌ها در ساختار اقتصادی و انتشار^۳ تکنولوژی است (Cook & Uchida, 2002). همچنین، آن دقیقاً متناسب با ایده تسویه ناکارآیی‌های بازار درون چارچوب اهداف- ابزارهای موجود و ایده حرکت به سمت مرکز تولید ترسیم شده در شکل ۳ است. آن همه تغییراتی را دربرمی‌گیرد که نمی‌توان به نوآوری‌های (ترکیب‌های جدید) و پیشرفت‌های فنی موجود نسبت داد. در تعریف هرچه کارآیی اقتصاد کمتر باشد، ناکارآیی بیشتر خواهد بود و برعکس. به‌عبارت دیگر زمانی که کارآیی بهبود می‌یابد، مقدار فرصت‌های آربیتراژ باقیمانده در اقتصاد کاهش می‌یابد. در مقابل، هروقت کارآیی بدتر می‌شود، فرصت‌ها برای آربیتراژ در اقتصاد افزایش می‌یابد. مقادیر تغییر کارآیی بالاتر از یک، کارآیی بهتر در استفاده از منابع تحت تکنولوژی موجود و به‌طور متناسب با آن، فرصت‌های آربیتراژ کمتر باقیمانده در اقتصاد را نشان می‌دهد. مقادیر کمتر از یک نشان می‌دهد که کارآیی کاهش یافته و بنابراین فرصت‌ها برای آربیتراژ افزایش می‌یابد. بنابراین، استفاده از معکوس تغییر کارآیی به‌عنوان شاخص فرصت‌های آربیتراژ پیشنهاد می‌شود. بنابراین

1. Noisy

2. Clean

3. Diffusion

فرصت‌های آربیتراژ بالاتر از واحد نشان می‌دهد که فاصله کشور مربوطه از مرز در سال ۱ نسبت به فاصله از مرز در سال صفر بزرگ‌تر است. اگر کشور همواره بر روی مرز باشد، آن تقریباً هیچ وقت آربیتراژ سودآوری برای بهره‌برداری نخواهد داشت.

شایان ذکر است که باید معیارهای DEA را به‌عنوان «بسته‌ای»^۱ از عناصر تشکیل‌دهنده کل اقتصاد در نظر بگیریم. در هر اقتصاد، صنایع کم‌وبیش پیشرفته‌ای وجود دارد و تفاوت‌های بین بخش‌ها می‌تواند ناشی از عواملی غیر از نوآوری‌ها در تکنولوژی‌های مورد استفاده باشد.

یکی از مزایای استفاده از این روش برای کمی کردن فرصت‌ها آن است که برآوردها براساس داده‌های جهانی بوده و بنابراین به لحاظ فرهنگی معادل هستند، به طوری که مقایسه کشورها را امکانپذیر می‌کند. این مزیت همیشه وجود ندارد به‌خصوص اگر مقیاس‌های روان سنجی^۲ برای جمع‌آوری داده در کشورهای مختلف به کار رفته باشد (Ryan, Chan, Ployhart, & Slade, 1999).

یافته‌های تجربی

الف) محیط کسب‌وکار ایران

براساس ارزیابی شکل‌های اقتصادی، در مجموعه مطالعات فصلی پایش محیط کسب‌وکار که از پاییز ۱۳۸۹ توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی جریان دارد، محیط مالی نامناسب بزرگ‌ترین مشکل در محیط کسب‌وکار اقتصاد کشور محسوب می‌شود. شکل‌های اقتصادی سراسر کشور طی شانزده دوره پایش محیط کسب‌وکار توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «مشکل دریافت تسهیلات از بانک‌ها» را به‌عنوان مشکل اول محیط کسب‌وکار ارزیابی کرده‌اند (جدول ۳). «ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی» نیز که به‌عنوان شاخصی برای محیط مالی محسوب می‌شود در زمره مهمترین موانع فعالین کسب‌وکار ارزیابی شده است.

نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی خود به تنهایی می‌تواند نشانگر نامناسب بودن محیط مالی در کشور باشد. گرچه ممکن است بنگاه‌ها به لحاظ مدیریت مالی و بودجه‌بندی خود عملکرد مناسبی نداشته باشند، اما بالا بودن نرخ تأمین سرمایه به‌عنوان متغیری که در نظام بازار آزاد و خارج بنگاه تعیین می‌شود، نشان می‌دهد که سازوکارهای حاکم بر اقتصاد در جهت ارتقای محیط کسب‌وکار نیستند. سازوکارهایی که ریشه در سیاستگذاری‌های مالی نادرست دولت و عملکرد نامطلوب نظام مالی و بانکی و بازار سرمایه دارد.

1. Envelope

2. Psychometric

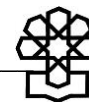


محیط اقتصاد کلان بی‌ثبات به‌عنوان دومین مانع محیط کسب‌وکار کشور ارزیابی شده است و به‌عنوان یکی از واقعیت‌های مهمی که گزارش‌های فصلی پایش محیط کسب‌وکار نیز آن را نشان می‌دهند آن است که کسب‌وکارها به ثبات و امنیت و قابلیت پیش‌بینی‌پذیری آینده در اقتصاد نیاز دارند. «بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه» یکی از عوامل نشان‌دهنده بی‌ثباتی در محیط اقتصاد کلان است که در شاخص پایش محیط کسب‌وکار به‌عنوان معضل دوم محسوب می‌شود.

جدول ۳. ارزیابی محیط کسب‌وکار بر اساس نظریه عمومی کارآفرینی شین (شاخص تبدیل یافته)

میانگین کل	۱۳۹۳		۱۳۹۲				۱۳۹۱				۱۳۹۰				عامل محیطی	محیط	مجموعه محیطی
	تابستان	بهار	زمستان	پاییز	تابستان	بهار	زمستان	پاییز	تابستان	بهار	زمستان	پاییز	تابستان	بهار			
۲۵/۷	۲۶/۰	۲۶/۷	۲۸/۳	۲۸/۳	۲۴/۵	۲۷/۴	۲۷/۱	۲۵/۴	۲۲/۹	۲۳/۲	۲۵/۰	۲۳/۲	۲۴/۷	۲۷/۱	مؤلفه ۱۸: مشکل دریافت تسهیلات از بانک‌ها	محیط مالی	محیط اقتصادی
۳۰/۱	۴۳/۳	۳۶/۲	۳۷/۲	۳۵/۸	۲۷/۵	۲۷/۲	۲۲/۱	۲۲/۳	۱۸/۷	۲۶/۵	۲۵/۶	۳۴/۹	۲۸/۷	۳۵/۹	مؤلفه ۴: بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه	محیط اقتصاد کلان	
۳۵/۴	۳۹/۲	۳۶/۶	۳۸/۴	۳۵/۷	۲۸/۸	۲۸/۴	۳۴/۰	۳۲/۲	۳۰/۳	۳۵/۳	۳۴/۶	۳۹/۱	۳۹/۵	۴۴/۰	مؤلفه ۱: اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورمان	ویژگی‌های صنایع	
۳۰/۴	۳۶/۲	۳۳/۲	۳۴/۶	۳۳/۳	۲۶/۹	۲۷/۷	۲۷/۷	۲۶/۶	۲۴/۰	۲۸/۳	۲۸/۴	۳۲/۴	۳۱/۰	۳۵/۷	نمره محیط اقتصادی		
۳۸/۸	۴۰/۵	۳۵/۴	۳۹/۷	۳۷/۴	۳۷/۳	۴۱/۱	۳۸/۹	۳۵/۸	۳۳/۹	۳۷/۷	۴۴/۷	۳۹/۸	۴۱/۶	۳۹/۴	مؤلفه ۲۱: وجود مفاسد اقتصادی در دستگاه‌های حکومتی	نهادهای و سیستم سیاسی	محیط نهادی
۵۴/۹	۵۹/۸	۵۱/۵	۵۶/۸	۵۳/۳	۵۵/۰	۵۸/۲	۵۷/۴	۵۴/۴	۵۴/۸	۵۴/۹	۵۱/۴	۵۳/۵	۵۴/۷	۵۲/۶	مؤلفه ۷: تمایل مردم به خرید کالاهای خارجی و تقاضای کم برای محصولات ایرانی مشابه	فرهنگ و ارزش‌ها	
۵۷/۸	۵۴/۶	۵۴/۸	۵۹/۰	۵۷/۷	۵۸/۱	۶۰/۲	۶۱/۸	۵۹/۹	۵۷/۶	۵۷/۸	۵۹/۳	۵۶/۱	۵۴/۶	۵۷/۲	مؤلفه ۱۳: ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل	نظام آموزشی- علمی و تکنولوژی	
۵۰/۵	۵۱/۶	۴۷/۲	۵۱/۸	۴۹/۵	۵۰/۱	۵۳/۲	۵۲/۷	۵۰/۰	۴۸/۸	۵۰/۲	۵۱/۸	۴۹/۸	۵۰/۳	۴۹/۷	نمره محیط نهادی		
۴۰/۴	۴۳/۹	۴۰/۲	۴۳/۲	۴۱/۴	۳۸/۵	۴۰/۴	۴۰/۲	۳۸/۳	۳۶/۴	۳۹/۲	۴۰/۱	۴۱/۱	۴۰/۶	۴۲/۷	محیط کسب‌وکار		

مأخذ: گروه مطالعات محیط کسب‌وکار، سال‌های مختلف.



ویژگی‌های صنایع به‌عنوان جزء دیگر محیط کسب‌وکار از اهمیت بالایی برخوردار است. وابستگی تولید داخل به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای به‌عنوان یک ویژگی مهم صنایع کشور تلقی می‌شود. اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورمان در سومین طبقه مهم از مؤلفه‌های شاخص پایش محیط کسب‌وکار طبقه‌بندی می‌شود که می‌تواند بیانگر وابستگی تولید داخل به خارج باشد. با توجه به وجود بیماری هلندی در کشورهای صادرکننده نفت (از جمله ایران^۱) تولید به واردات وابسته است، زیرا بر اساس نظریه بیماری هلندی، تولید کالاهای قابل تجارت سودآوری کمتری دارد، لذا تولیدکننده نیز به مونتاژ روی می‌آورد و در واقع به واردات کالای نهایی می‌پردازد. اعمال تحریم‌های بین‌المللی بیشتر به زیان واردکننده است تا صادرکننده، زیرا با اعمال تحریم نرخ ارز سیر صعودی پیدا می‌کند و سود صادرکننده را افزایش و سود واردکننده را کاهش می‌دهد. هر چند برخی صادرکنندگان نیز ممکن است با مشکل صادرات به برخی کشورها مواجه شوند، اما با توجه به وابستگی بیشتر واردات به کشورهای تحریم‌کننده نسبت به صادرات می‌توان گفت که اعمال تحریم‌های بین‌المللی بیشتر به زیان واردکننده به‌ویژه تولیدکنندگان وابسته به واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای است.

ارزیابی تشکل‌های اقتصادی سراسر کشور از مؤلفه «اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورمان» از بهار ۱۳۹۰ تا بهار ۱۳۹۲ روند کاهشی محسوس (از ۴۴ به ۲۸) و از تابستان ۱۳۹۲ به بعد سیر صعودی را نشان می‌دهد.

در مجموع محیط اقتصادی از نظر تشکل‌های اقتصادی مورد بررسی در شانزده دوره پایش محیط کسب‌وکار، از شرایط مناسبی برخوردار نیست (۳۰ از ۱۰۰).

نهادها و سیستم سیاسی، چهارمین مسئله در ارزیابی محیط کسب‌وکار محسوب می‌شود. وجود فاسد اقتصادی در دستگاه‌های حکومتی را می‌توان به‌عنوان شاخصی مهم برای این جزء از محیط نهادی کسب‌وکار تلقی کرد. بی‌ثباتی قوانین و مقررات مربوط به تولید و سرمایه‌گذاری و ضعف دادرها در رسیدگی مؤثر به شکایت‌ها و اجبار طرف‌های قرارداد به انجام تعهدات نیز به دنبال آن به‌عنوان مسائل نهادی مطرح در پایش محیط کسب‌وکار هستند که ارزیابی آنها مشابه با ارزیابی مؤلفه «مفاسد اقتصادی در دستگاه‌های حکومتی» است.

فرهنگ و ارزش‌ها به‌عنوان جزء مهم دیگر محیط کسب‌وکار تلقی می‌شود. این جزء محیط نهادی در شاخص پایش محیط کسب‌وکار به‌عنوان پنجمین دسته از مسائل ارزیابی شده است. «زیاد بودن تعطیلات رسمی»، «تولید کالاهای غیراستاندارد و تقلبی»، «تمایل مردم به خرید کالاهای خارجی» و «تقاضای کم برای محصولات ایرانی مشابه و عرضه کالاهای خارجی قاچاق در بازار داخلی» از زمره مؤلفه‌هایی هستند که از فرهنگ و ارزش‌های جامعه ریشه می‌گیرند یا با آن در ارتباط تنگاتنگ

۱. به کتاب مدیریت اقتصاد کلان در کشورهای صادرکننده نفت، فصل نهم، نشر مرکز پژوهش‌های مجلس مراجعه شود.

هستند. ارزیابی‌های تشکلهای اقتصادی سراسر کشور از این مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار در دوره شانزده فصل مورد بررسی پایش، نوسان زیادی نداشته است.

نظام آموزشی - علمی و تکنولوژی را می‌توان به‌عنوان جزء ششم محیط کسب‌وکار معرفی کرد. «زیرساخت‌های حمل‌ونقل» و «زیرساخت‌های تأمین برق» را می‌توان نماگری از جزء نظام آموزشی - علمی و تکنولوژی دانست. در شانزده دوره پایش محیط کسب‌وکار، «ضعف زیرساخت‌های تأمین برق»، «ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل» بهتر از همه ارزیابی شده‌اند و ارزیابی بهتری نسبت به بقیه مؤلفه‌ها داشته و روند تقریباً ثابتی را نشان می‌دهند.

در شاخص پایش محیط کسب‌وکار مرکز پژوهش‌های مجلس، مؤلفه‌ای که وضعیت محیط جغرافیایی را نشان دهد، وجود ندارد.

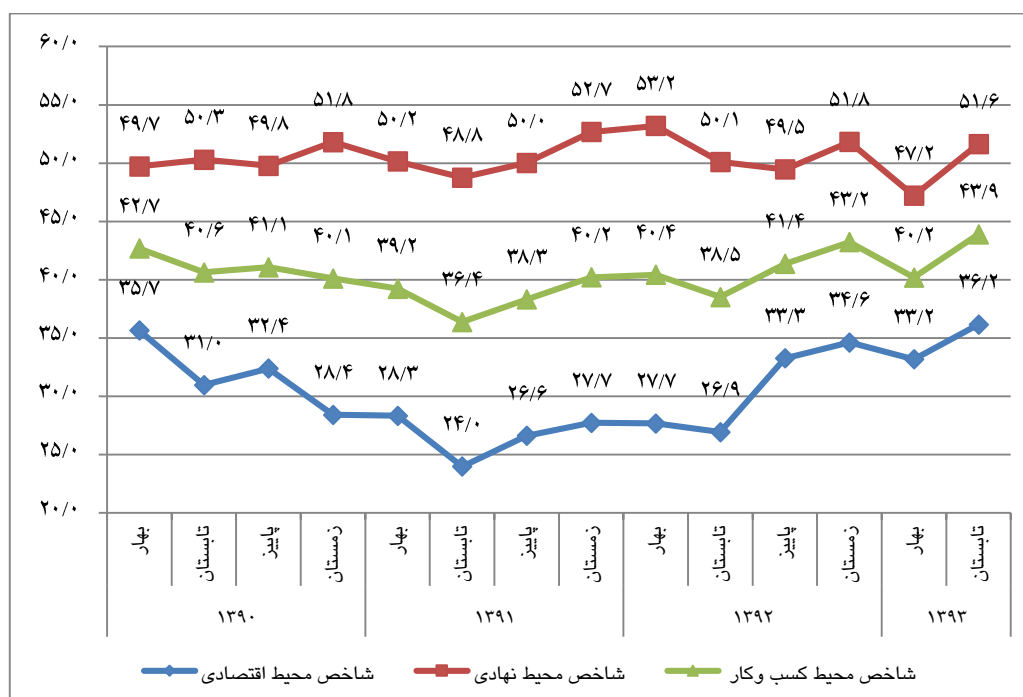
در مجموع محیط نهادی از نظر تشکلهای اقتصادی مورد بررسی در شانزده دوره پایش محیط کسب‌وکار، بهتر از محیط اقتصادی ارزیابی شده است (۵۰ از ۱۰۰). روند کلی با ثبات و نوسان اندک حول ارزیابی تشکلهای اقتصادی در طی دوره بهار ۱۳۹۰ الی تابستان ۱۳۹۳ نشان می‌دهد که هماهنگ با نظریه‌های اقتصادی تغییرات نهادی در بلندمدت و به سختی اتفاق می‌افتد.

به‌طور کلی می‌توان گفت که بر اساس شانزده دوره پایش محیط کسب‌وکار توسط مرکز پژوهش‌های مجلس، تشکلهای اقتصادی وضعیت محیط کسب‌وکار (۶ مؤلفه محیطی) را ۴۰ از ۱۰۰ ارزیابی کرده‌اند که وضعیت خوبی محسوب نمی‌شود. بر اساس این نظرسنجی شاخص تبدیل یافته محیط اقتصادی کسب‌وکار (۳۰ از ۱۰۰) (شامل محیط مالی (۲۶)، محیط اقتصاد کلان (۳۰) و ویژگی‌های صنایع (۳۵)) ارزیابی نامساعدتری نسبت به عوامل محیط نهادی (۵۱ از ۱۰۰) (شامل نهادها و سیستم سیاسی (۳۹)، فرهنگ و ارزش‌ها (۵۵) و نظام آموزشی - علمی و تکنولوژی (۵۸)) دارند.



شکل ۴. روند ارزیابی (شاخص تعدیل یافته) محیط کسب و کار و محیط های زیرمجموعه آن

(عدد بزرگ تر به معنی ارزیابی بهتر)



مأخذ: همان.

ب) بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی در ایران

در ادامه تشریح می‌شود که چگونه روش‌شناسی DEA را می‌توان برای اندازه‌گیری کمی فرصت‌های نوآورانه و آربیتراژ با استفاده از داده‌های بانک جهانی به کار برد. همان‌طور که فار و دیگران (۱۹۹۴) پیشنهاد می‌کند، بهتر است که از دارایی‌های فیزیکی و نیروی کار به‌عنوان نهاده و از GDP به‌عنوان محصول برای محاسبه و تجزیه شاخص بهره‌وری مالیم کویست استفاده شود (متغیرها نسبت به تورم تعدیل شده و به قیمت‌های ثابت و برابری قدرت خرید^۱ تعدیل شده‌اند).^۲ این رویکرد معمولاً در ادبیات DEA به کار می‌رود (Arcelus & Arozena, 1999; Cook & Uchida, 2002; Färe, Grosskopf, Norris, & Zhang, 1994; Kruger, 2003; Ryan, Chan, Ployhart, & Slade, 1999).

۱. در این مطالعه از تولید ناخالص داخلی و سرمایه به قیمت ثابت ۲۰۱۱ و دلار بین‌المللی (PPP) استفاده شده است در صورتی که در مقاله آنوخین و دیگران از دلار آمریکا استفاده شده است که به نتایجی متفاوت منجر شده است. نتایج این مطالعه ارتباط معنادارتری را نسبت به نتایج مقاله آنوخین با نرخ تراکم کسب‌وکارهای جدید به دست می‌دهد.

۲. با استفاده از روش DEA می‌توان از ترکیب‌های متفاوت نهاده و محصول استفاده کرد. برای مثال، می‌توان از زمین زیرکشت، تعداد دانشگاه‌ها، ثبت‌های اختراع و غیره به‌عنوان نهاده استفاده کرد. انتخاب نهاده‌ها و محصول‌ها باید براساس تئوری صورت گیرد. در این گزارش این تکنیک تشریح شده و استفاده‌اش در تحقیقات کارآفرینی پیشنهاد می‌شود. شایان ذکر است که استفاده از داده‌هایی مانند ثبت اختراع در این گزارش قابل قبول نبود، زیرا آن خود به‌عنوان متغیرهای جایگزین (proxy) برای پیشرفت فنی به کار می‌روند.

معیارهای نیروی کار را می‌توان از مجموعه داده‌های شاخص‌های توسعه‌ای بانک جهانی به راحتی دریافت کرد و دارایی‌های فیزیکی (سرمایه) را می‌توان براساس سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌ای سال‌های گذشته برآورد کرد. امروزنژاد (Emrouznejad, 2003) توصیه می‌کند که محققان سرمایه‌گذاری‌های سال‌های قبل را برای محاسبه برآورد سرمایه در نظر بگیرند، زیرا سرمایه‌گذاری‌هایی که در زمان t صورت گرفته‌اند هنوز در زمان $(t+1)$ مولد خواهند بود (بعد از کسر استهلاک). روش DEA یک نرخ خاص استهلاک را تجویز نمی‌کند؛ با مطالعات موجود نرخ‌های متفاوتی از ۳ تا ۱۵ درصد را به کار برده‌اند (Kim & Lee, 2004). در این گزارش، از نرخ استهلاک ۱۰ درصد در سال برای برآورد سرمایه استفاده شده است. همه داده‌های سرمایه‌گذاری از مجموعه داده‌های شاخص توسعه جهانی گرفته شده است. بعد از مطالعه برنامه‌های کامپیوتری برای برآورد (Hollingsworth, 2004) تصمیم گرفته شد که از برنامه کامپیوتری DEAP ایجاد شده توسط کولی (Coelli, 1996) استفاده شود. جدول ۴ میانگین هندسی فرصت‌های نوآورانه و آربیتراژ را در ۹۶ کشور در طی ۱۸ سال نشان می‌دهد (از ۱۹۹۵ الی ۲۰۱۲) که از طریق کاربرد مدل مالیم کویست با داده‌های پانل^۱ توصیف شده در بالا و با فرض بازدهی ثابت نسبت به مقیاس به دست آمده‌اند. روند فرصت‌های نوآورانه و آربیتراژ نشان می‌دهد هم درون و هم بین کشورها تغییر می‌کنند. متوسط دامنه ۱۸ ساله برای نوآوری ۰/۹۸۶ است (حداقل=۰/۹۱۴، حداکثر=۱/۱۵۳، $SD=0.054$)، در حالی که برای آربیتراژ این رقم ۰/۹۹۱ است (حداقل=۰/۹۳۳، حداکثر=۱/۱۵۶، $SD=0.055$).

جدول ۴. میانگین هندسی (۱۸ سال) شاخص فرصت‌های نوآورانه و شاخص فرصت‌های

آربیتراژ فنی طی سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۱۲

کشور	کد	فرصت‌های نوآورانه	فرصت‌های آربیتراژ	کشور	کد	فرصت‌های نوآورانه	فرصت‌های آربیتراژ
ارمنستان	ARM	۰/۹۶۳	۰/۹۷۶	لبنان	LBN	۱/۰۰۵	۰/۹۹۱
استرالیا	AUS	۱/۰۰۸	۱/۰۳۴	لسوتو	LSO	۰/۹۷۴	۰/۹۳۸
اتریش	AUT	۱/۰۱۴	۱/۰۰۵	لوکزامبورگ	LUX	۱/۰۰۴	۱/۰۰۵
آذربایجان	AZE	۰/۹۵۴	۱/۰۱۶	ماکائو چین	MAC	۱/۰۱۶	۰/۹۷۷
باهاما	BHS	۰/۹۹۷	۱/۰۴۱	مقدونیه	MKD	۰/۹۸۲	۰/۹۹۰
بنگلادش	BGD	۰/۹۴۱	۰/۹۵۴	مالزی	MYS	۱/۰۰۶	۰/۹۸۲
بلاروس	BLR	۰/۹۸۷	۰/۹۹۷	مالی	MLI	۰/۹۴۵	۰/۹۹۹
بلژیک	BEL	۱/۰۱۲	۱/۰۱۶	موریتانی	MUS	۰/۹۹۳	۰/۹۸۴
بولیوی	BOL	۰/۹۶۸	۰/۹۸۱	مکزیک	MEX	۰/۹۹۷	۱/۰۰۷

1. Panel Data

۲. مقادیر فرصت‌های نوآورانه بیش از یک، بهبود در تکنولوژی‌های مرجع را نشان می‌دهد و مقادیر فرصت‌های آربیتراژ بیش از یک شکست در تقلید از پیشرفت‌های فنی و نیز ناکارایی‌های در حال رشدی را که می‌تواند به‌طور سودآوری مورد بهره‌برداری قرار گیرد، نشان می‌دهد.



فرصت‌های آربیتراژ	فرصت‌های نوآورانه	کد	کشور	فرصت‌های آربیتراژ	فرصت‌های نوآورانه	کد	کشور
۰/۹۷۷	۰/۹۷۱	MDA	مالداوی	۱/۰۰۹	۰/۹۸۵	BWA	بوتسوانا
۱/۰۰۵	۰/۹۷۸	MAR	مراکش	۰/۹۸۸	۰/۹۸۶	BRA	برزیل
۰/۹۱۹	۰/۹۱۰	MOZ	موزامبیک	۱/۰۱۶	۱/۰۱۷	BRN	برونئی دارالسلام
۱/۰۱۰	۰/۹۷۸	NAM	نامیبیا	۱/۰۱۸	۰/۹۸۵	BGR	بلغارستان
۱/۰۱۳	۱/۰۰۹	NLD	هلند	۰/۹۳۱	۰/۹۲۷	BFA	بورکینافاسو
۱/۰۱۶	۱/۰۰۴	NZL	نیوزلند	۰/۹۷۸	۰/۹۵۲	CMR	کامرون
۰/۹۸۶	۰/۹۷۴	NIC	نیکاراگوئه	۱/۰۲۳	۱/۰۰۶	CAN	کانادا
۱/۰۳۰	۱/۰۱۳	NOR	نروژ	۱/۰۰۹	۰/۹۹۳	CHL	شیلی
۰/۹۵۹	۰/۹۷۷	PAK	پاکستان	۰/۹۷۵	۰/۹۷۰	CHN	چین
۰/۹۸۷	۰/۹۸۳	PAN	پاناما	۰/۹۸۹	۰/۹۸۴	CRI	کاستاریکا
۰/۹۶۸	۰/۹۸۰	PRY	پاراگوئه	۱/۰۰۸	۱/۰۰۴	CZE	جمهوری چک
۱/۰۱۷	۰/۹۷۷	PER	پرو	۱/۰۲۴	۱/۰۰۷	DNK	دانمارک
۰/۹۶۷	۰/۹۷۵	PHL	فیلیپین	۰/۹۷۸	۰/۹۷۷	DOM	جمهوری دومینیک
۱/۰۰۳	۱/۰۰۷	PRT	پرتغال	۰/۹۹۴	۰/۹۷۹	ECU	اکوادور
۱/۰۱۲	۰/۹۸۷	ROM	رومانی	۰/۹۹۸	۰/۹۸۳	EGY	مصر
۰/۹۹۱	۰/۹۹۳	RUS	فدراسیون روسیه	۰/۹۷۰	۰/۹۷۸	SLV	السالوادور
۱/۰۰۸	۰/۹۰۹	RWA	رواندا	۰/۹۶۷	۰/۹۸۴	GNQ	گینه استوایی
۰/۹۷۱	۰/۹۵۷	SEN	سنگال	۱/۰۱۷	۰/۹۸۸	EST	استونی
۱/۰۰۱	۱/۰۰۹	SGP	سنگاپور	۰/۹۳۴	۰/۹۱۶	ETH	اتیوپی
۱/۰۰۸	۰/۹۸۲	ZAF	آفریقای جنوبی	۱/۰۲۰	۱/۰۰۵	FIN	فنلاند
۱/۰۲۰	۱/۰۱۰	ESP	اسپانیا	۱/۰۱۶	۱/۰۰۸	FRA	فرانسه
۰/۹۸۳	۰/۹۷۵	LKA	سریلانکا	۱/۰۲۲	۱/۰۰۴	GAB	گابن
۰/۹۳۶	۱/۰۰۲	SWZ	سوازیلند	۰/۹۵۰	۰/۹۵۸	GMB	گامبیا
۱/۰۱۸	۱/۰۰۴	SWE	سوئد	۱/۰۰۴	۱/۰۱۱	DEU	آلمان
۱/۰۱۴	۱/۰۱۴	CHE	سوئیس	۱/۰۲۰	۱/۰۰۵	GRC	یونان
۰/۹۰۴	۰/۹۷۷	TJK	تاجیکستان	۰/۹۸۱	۰/۹۷۹	GTM	گواتمالا
۰/۹۴۷	۰/۹۳۲	TZA	تانزانیا	۰/۹۶۹	۰/۹۷۷	HND	هندوراس
۰/۹۶۲	۱/۰۰۱	THA	تایلند	۱/۰۰۳	۱/۰۱۳	HKG	هنگ کنگ
۱/۰۰۰	۰/۹۹۵	TUR	ترکیه	۱/۰۱۴	۱/۰۰۳	ISL	ایسلند
۰/۹۳۶	۰/۹۲۶	UGA	اوگاندا	۰/۹۸۳	۰/۹۶۶	IND	هندوستان
۰/۹۸۱	۰/۹۷۷	UKR	اکراین	۰/۹۷۵	۰/۹۷۹	IDN	اندونزی
۱/۰۰۸	۱/۰۰۳	GBR	انگلستان	۱/۰۱۷	۰/۹۹۸	IRN	ایران
۱/۰۱۷	۱/۰۱۳	USA	ایالات متحده	۱/۰۰۷	۱/۰۱۰	IRL	ایرلند
۰/۹۸۴	۰/۹۹۳	URY	اروگوئه	۱/۰۱۸	۱/۰۱۳	ITA	ایتالیا
۰/۹۷۳	۰/۹۶۱	UZB	ازبکستان	۰/۹۹۷	۱/۰۱۴	JPN	ژاپن
۱/۰۳۳	۰/۹۸۸	VEN	ونزوئلا	۰/۹۸۴	۱/۰۰۳	JOR	اردن
۰/۹۷۹	۰/۹۶۰	VNM	ویتنام	۰/۹۷۷	۰/۹۵۱	KEN	کنیا
۰/۹۶۶	۰/۹۸۴	WBG	غزه و کرانه باختری	۰/۹۸۸	۱/۰۱۰	KOR	کره جنوبی
۱/۰۲۸	۰/۹۲۸	ZMB	زامبیا	۰/۹۷۰	۰/۹۵۰	KGZ	قرقیزستان

مأخذ: محاسبات محقق.

کشورهای جهان را بر حسب شاخص فرصت‌های نوآورانه و آربیتراژ فنی می‌توان به چهار گروه تقسیم‌بندی کرد:

گروه اول کشورهایی که شاخص فرصت‌های نوآورانه بالای عدد یک و شاخص فرصت‌های آربیتراژ کمتر از عدد یک دارند. این کشورها در زمره کشورهایی هستند که در مرز تولید جهانی فعالیت می‌کنند و از فرصت‌های نوآوری نسبت به سایر کشورها بیشتر بهره‌برداری می‌کنند و از فرصت‌های آربیتراژ نیز به‌طور کامل استفاده کرده‌اند.

گروه دوم کشورهایی که شاخص فرصت‌های نوآورانه بالای عدد یک و شاخص فرصت‌های آربیتراژ بالای عدد یک دارند. این کشورها در زمره کشورهایی هستند که در مرز تولید جهانی فعالیت می‌کنند و از فرصت‌های نوآوری نسبت به سایر کشورها بیشتر بهره‌برداری می‌کنند، اما از آنجا که فرصت‌های نوآوری در اقتصاد آنها بیشتر است فرصت‌های آربیتراژ بیشتری نیز دارند که هنوز مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است.

گروه سوم کشورهایی که شاخص فرصت‌های نوآورانه کمتر و مساوی عدد یک و شاخص فرصت‌های آربیتراژ کمتر و مساوی عدد یک دارند. این کشورها در زمره کشورهایی هستند که با فاصله از مرز تولید جهانی فعالیت می‌کنند و در سطح اقتصاد ملی از فرصت‌های نوآوری نسبت به کشورهای پیشرو کمتر بهره‌برداری می‌کنند، اما از فرصت‌های آربیتراژ فنی جهانی به‌طور کامل استفاده کرده‌اند.

گروه چهارم کشورهایی که شاخص فرصت‌های نوآورانه کمتر و مساوی عدد یک و شاخص فرصت‌های آربیتراژ بیشتر از عدد یک دارند. این کشورها در زمره کشورهایی هستند که با فاصله از مرز تولید جهانی فعالیت می‌کنند و در سطح اقتصاد ملی از فرصت‌های نوآوری نسبت به کشورهای پیشرو کمتر بهره‌برداری می‌کنند و از فرصت‌های آربیتراژ فنی نیز به‌خوبی بهره‌برداری نمی‌کنند.

بررسی بیشتر بر حسب گروه‌های فوق و کشورهای صادرکننده و غیر صادرکننده نفت (جدول ۵) نشان می‌دهد که ۹ درصد از کشورهای غیرصادرکننده نفت در گروه اول قرار دارند، اما تنها یک کشور معادل ۵ درصد از کشورهای صادرکننده نفت در این گروه قرار دارند. همچنین ۱۵ درصد از کشورهای غیرصادرکننده نفت در گروه چهارم قرار دارند، اما ۲۴ درصد از کشورهای صادرکننده نفت در این گروه قرار دارند. به‌عبارت دیگر کشورهای صادرکننده نفت کمتری نسبت به سایر کشورها در زمره کشورهایی هستند که با فاصله از مرز تولید جهانی فعالیت می‌کنند و کشورهای صادرکننده نفت بیشتری نسبت به سایر کشورها در زمره کشورهایی هستند که از فرصت‌های آربیتراژ فنی نیز به‌خوبی بهره‌برداری نمی‌کنند.

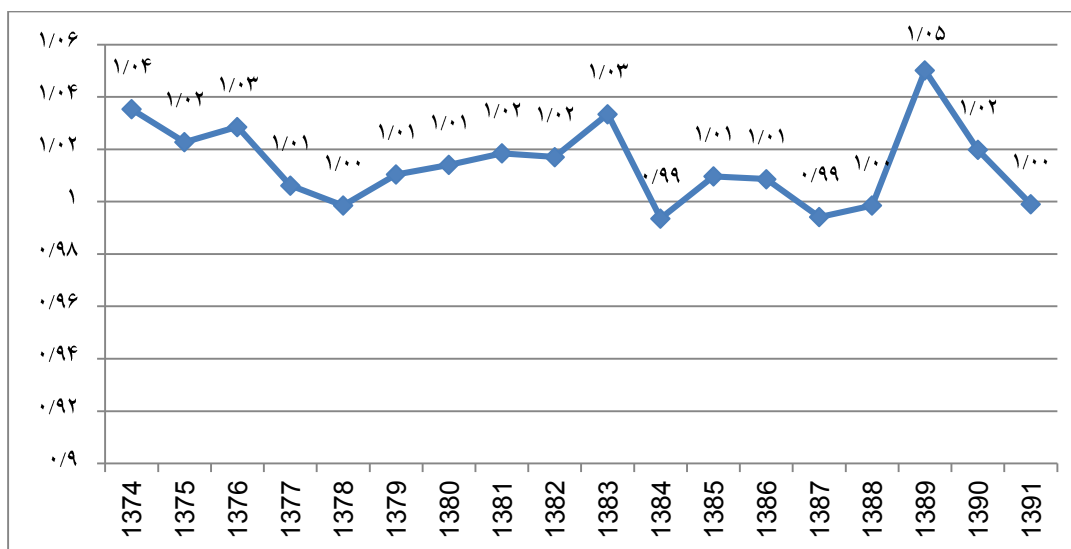


جدول ۵. درصد کشورهای جهان به تفکیک گروه‌های چهارگانه

طبقه کشورها	غیرصادرکننده نفت		صادرکننده نفت		کل جهان	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
گروه اول	۷	۹	۱	۵	۸	۸
گروه دوم	۲۲	۲۹	۵	۲۴	۲۷	۲۸
گروه سوم	۳۵	۴۷	۱۰	۴۸	۴۵	۴۷
گروه چهارم	۱۱	۱۵	۵	۲۴	۱۶	۱۷
کل	۷۵	۱۰۰	۲۱	۱۰۰	۹۶	۱۰۰

ایران نیز به‌عنوان یک کشور صادرکننده نفت در گروه چهارم قرار دارد که بر اساس شاخص فرصت‌های نوآوری و آربیتراژ فنی در ۱۸ سال (۱۹۹۵-۲۰۱۲) با فاصله از مرز تولید فعالیت کرده و از فرصت‌های آربیتراژ فنی نیز به‌خوبی بهره‌برداری نکرده است. با وجود این، مقایسه شاخص فرصت‌های نوآورانه ایران در سال‌های مختلف با متوسط جهانی نشان می‌دهد که در اغلب سال‌ها ایران از متوسط جهانی بهتر عمل کرده است. شکل ۵ روند شاخص نسبی فرصت‌های نوآورانه کارآفرینی ایران را در سال‌های ۱۳۷۴ الی ۱۳۹۱ را نشان می‌دهد که از تقسیم شاخص فرصت‌های نوآورانه کارآفرینی ایران بر متوسط شاخص فرصت‌های نوآورانه کارآفرینی کشورهای جهان به‌دست آمده است. مقایسه شاخص فرصت‌های نوآورانه کارآفرینی به‌طور نسبی به منظور لحاظ اثر شرایط جهانی سالیانه بر اقتصاد نیز است. اما مقایسه شاخص فرصت‌های آربیتراژ فنی ایران در سال‌های مختلف با متوسط جهانی نشان می‌دهد که در اغلب سال‌ها ایران از متوسط جهانی بدتر عمل کرده است و از فرصت‌های آربیتراژ فنی برای انتقال تکنولوژی به کشور به‌خوبی بهره‌برداری نکرده است. بر اساس نظریه عمومی کارآفرینی شین، شرایط محیط کسب‌وکار از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر میزان بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی است که در ادامه این گزارش به ارتباط این دو می‌پردازیم.

شکل ۵. روند شاخص نسبی بهره‌برداری از فرصت‌های نوآورانه کارآفرینی در ایران



ج) تأثیر محیط کسب‌وکار بر بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی در ایران

بر اساس نظریه عمومی کارآفرینی شین، متغیرهای تأثیرگذار بر بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی عبارتند از: ویژگی‌های فردی، محیط نهادی کسب‌وکار و محیط اقتصادی کسب‌وکار. ویژگی‌های فردی در مورد تفاوت‌های بین افراد مانند تمایل به پذیرش ریسک، نیاز به موفقیت و غیره است که با توجه به آنکه در این مطالعه، یک کشور خاص و در یک دوره زمانی بسیار محدود بررسی صورت می‌گیرد، از این متغیر می‌توان صرف‌نظر کرد.

در مورد دو متغیر دیگر، متغیر شاخص تبدیل‌یافته محیط نهادی کسب‌وکار در دوره زمانی سالیانه مورد بررسی بدون تغییر بوده است بنابراین می‌توان بر اساس نظریه عمومی کارآفرینی شین، تغییرات شاخص بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی را به تغییرات شاخص تبدیل‌یافته محیط اقتصادی کسب‌وکار منتسب کرد. شایان ذکر است که داده‌های در دسترس بسیار محدود است و نمی‌توان برآورد دقیقی آماری ارائه کرد، اما از این مشاهده می‌توان برای برآوردی مقدماتی از ارتباط آنها استفاده کرد.

در مشاهده مربوط به سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، ۱۶ درصد تغییر در (بدتر شدن) شاخص محیط اقتصادی کسب‌وکار به ۲ درصد تغییر هم جهت (کاهش) در شاخص نسبی بهره‌برداری از فرصت‌های نوآورانه کارآفرینی منجر شده است. به عبارت دیگر، تقریباً هر ۸ درصد تغییر در (بدتر شدن) شاخص محیط اقتصادی کسب‌وکار به ۱ درصد تغییر هم جهت (کاهش) در شاخص نسبی بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی منجر شده است. به عبارت دیگر نحوه ارتباط بین دو متغیر هم‌جهت و مؤید نظریه عمومی کارآفرینی شین است.



از آنجا که شاخص فرصت‌های نوآورانه که به‌طور سالیانه توسط بانک جهانی انتشار می‌یابد و تعداد کسب‌وکارهای جدید ثبت شده در هر هزار نفر در سن بین ۱۵-۶۴ سال را نشان می‌دهد، همبسته است. به‌طوری که همبستگی بین فرصت‌های نوآورانه و نرخ تراکم ایجاد کسب و کار جدید ($r=0/31$) و ضریب همبستگی اسپیرمن ارتباط بین نرخ تراکم ایجاد کسب‌وکار جدید و فرصت‌های نوآورانه ۰/۴۷ است، می‌توان برآوردی ساده از نرخ تراکم ایجاد کسب‌وکار براساس شاخص فرصت‌های نوآورانه بدست آورد. بر اساس این برآورد، در سال ۱۳۹۰ احتمالاً ۱/۸ کسب‌وکار جدید بر حسب هر هزار نفر در سن ۱۵ تا ۶۴ سال ایجاد شده که در سال ۱۳۹۱ به ۰/۸ کسب‌وکار جدید بر حسب هر هزار نفر در سن ۱۵ تا ۶۴ سال کاهش یافته است که بیش از ۵۵ درصد کاهش را نشان می‌دهد. بر اساس نظریه کارآفرینی شین، این کاهش در ایجاد کسب‌وکارهای جدید ناشی از ۱۶ درصد بدتر شدن شاخص محیط اقتصادی کسب‌وکار است. به‌عبارت دیگر هر ۱ درصد تغییر (بدتر شدن) شاخص محیط اقتصادی کسب‌وکار احتمالاً ۳/۴ درصد تغییر هم جهت (کاهش) در نرخ تراکم ایجاد کسب‌وکارهای جدید را به همراه خواهد داشت.

جدول ۶. تغییرات در شاخص پایش محیط کسب‌وکار و برآورد نرخ تراکم ایجاد کسب‌وکار جدید

سال	شاخص تبدیل یافته پایش محیط کسب‌وکار		شاخص بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی	شاخص نسبی بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی	برآورد نرخ تراکم ایجاد کسب‌وکار جدید
	شاخص محیط نهادی	شاخص محیط اقتصادی			
۱۳۹۰	۵۰/۴	۳۱/۹	۱/۱۸	۱/۰۲	۱/۸۰
۱۳۹۱	۵۰/۴	۲۶/۷	۱/۰۵	۱/۰۰	۰/۸۱
درصد تغییرات	۰/۰	-۱۶/۳	-۱۱/۱	-۲/۰	-۵۵/۲

نتیجه‌گیری

بر اساس نظریه عمومی کارآفرینی شین، متغیرهای تأثیرگذار بر بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکار جدید عبارتند از: ویژگی‌های فردی، محیط نهادی کسب‌وکار و محیط اقتصادی کسب‌وکار. این مطالعه بر نقش محیط کسب‌وکار متمرکز شده است که مجموعه عوامل محیط نهادی و محیط اقتصادی، محیط کسب‌وکار را شکل می‌دهند.

بر اساس شانزده دوره فصلی پایش محیط کسب‌وکار توسط مرکز پژوهش‌های مجلس، تشکلهای اقتصادی وضعیت محیط کسب‌وکار (۶ مؤلفه محیطی) را ۴۰ از ۱۰۰ ارزیابی کرده‌اند که وضعیت خوبی محسوب نمی‌شود. بر اساس این نظرسنجی شاخص تبدیل یافته محیط اقتصادی کسب‌وکار (۳۰) از

۱۰۰) (شامل محیط مالی (۲۶)، محیط اقتصاد کلان (۳۰) و ویژگی‌های صنایع (۳۵)) ارزیابی نامساعدتری نسبت به عوامل محیط نهادی (۵۱ از ۱۰۰) (شامل نهادها و سیستم سیاسی (۳۹)، فرهنگ و ارزش‌ها (۵۵) و نظام آموزشی - علمی و تکنولوژی (۵۸)) دارند.

بر اساس شاخص فرصت‌های نوآورانه و شاخص فرصت‌های آربیتراژ فنی، ایران در گروه چهارم طبقه‌بندی کشورها قرار دارد. گروه چهارم کشورهایی هستند که شاخص فرصت‌های نوآورانه کمتر و مساوی عدد یک و شاخص فرصت‌های آربیتراژ فنی بیشتر از عدد یک دارند. این کشورها در زمره کشورهایی هستند که با فاصله از مرز تولید جهانی فعالیت می‌کنند و در سطح اقتصاد ملی از فرصت‌های نوآوری نسبت به کشورهای پیشرو کمتر بهره‌برداری می‌کنند و از فرصت‌های آربیتراژ فنی نیز به‌خوبی بهره‌برداری نمی‌کنند. ایران بر اساس شاخص فرصت‌های نوآوری و آربیتراژ فنی در ۱۸ سال (۱۹۹۵-۲۰۱۲) با فاصله از مرز تولید فعالیت کرده و از فرصت‌های آربیتراژ فنی نیز به‌خوبی بهره‌برداری نکرده است. با وجود این، مقایسه شاخص فرصت‌های نوآورانه ایران در سال‌های مختلف با متوسط جهانی نشان می‌دهد که در اغلب سال‌ها ایران از متوسط جهانی بهتر عمل کرده است.

در مشاهده مربوط به سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، ۱۶ درصد تغییر در (بدتر شدن) شاخص محیط اقتصادی کسب‌وکار احتمالاً به ۲ درصد تغییر هم جهت (کاهش) در شاخص نسبی بهره‌برداری از فرصت‌های نوآورانه کارآفرینی منجر شده است. به عبارت دیگر، تقریباً هر ۸ درصد تغییر در (بدتر شدن) شاخص محیط اقتصادی کسب‌وکار احتمالاً به ۱ درصد تغییر هم جهت (کاهش) در شاخص نسبی بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی منجر شده است. این کاهش (۲ درصد) در شاخص نسبی بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی، احتمالاً به ۵۵ درصد کاهش در نرخ تراکم ایجاد کسب‌وکارهای جدید در سال ۱۳۹۱ نسبت به ۱۳۹۰ منجر شده است. بر اساس نظریه کارآفرینی شین، در مشاهده مورد اشاره، کاهش در ایجاد کسب‌وکارهای جدید ناشی از بدتر شدن (۱۶ درصد) شاخص محیط اقتصادی کسب‌وکار است. به عبارت دیگر هر ۱ درصد تغییر (بدتر شدن) شاخص محیط اقتصادی کسب‌وکار احتمالاً ۳/۴ درصد تغییر هم جهت (کاهش) در نرخ تراکم ایجاد کسب‌وکارهای جدید را به همراه خواهد داشت. با توجه به فقدان سری زمانی به اندازه کافی بلندمدت از شاخص محیط اقتصادی و نهادی کسب‌وکار برای ایران نمی‌توان تأیید تجربی برای نظریه کارآفرینی شین ارائه کرد و در واقع آن در حد یک فرضیه که مشاهده کمی برای صحت آن وجود دارد، باقی می‌ماند.

در خاتمه بر بهبود محیط کسب‌وکار (به ویژه محیط اقتصادی کسب‌وکار) به‌عنوان یک متغیر احتمالی تأثیرگذار بر بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکار جدید تأکید می‌شود. ایجاد و حفظ نهادهای تقویت‌کننده کارآیی بخش خصوصی و نهادهای تقویت‌کننده پاسخگویی مسئولین بخش عمومی، حمایت مؤثر از حقوق مالکیت و حداقل مداخله اجرایی، حمایت از

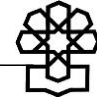


سرمایه‌گذاران با فراهم آوردن بستر ارائه اطلاعات شفاف و اصلاح نهادهای تخصیص منابع عمومی در کشورهای صادرکننده نفت از جمله عوامل بهبوددهنده محیط نهادی کسب‌وکار هستند و پرهیز از سیاست مالی ادواری در کشورهای صادرکننده نفت، عدم اتخاذ سیاست‌های اقتصاد کلان سست و مداخله‌جویانه، توجه به تأثیر سیاست مالی دولت بر محیط مالی و پیشگیری از بیماری هلندی که می‌تواند سبب تغییر در اندازه و دنیامیک بازارها و تعداد شرکت‌های کوچک شود، از جمله عوامل محیط اقتصادی بهبوددهنده هستند.

منابع و مأخذ

۱. گروه مطالعات محیط کسب‌وکار (سال‌های مختلف)، گزارش‌های پایش محیط کسب‌وکار ایران، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
2. Aldrich, H. E. *Organizations Evolving*. London: Sage, 1999.
3. Alvareo Cuervo Individual and Environmental Determinants of Entrepreneurship *International Entrepreneurship and Management Journal*, 2005.
4. Anokhin, S., Wincent, J., & Autio, E. Operationalizing opportunities in Entrepreneurship Research: use of Data Envelopment Analysis. *Small Bus Econ*, 37, 2011.
5. Arcelus, F. J., & Arozena, P. Measuring Sectoral Productivity Across Time and Across Countries. *European Journal of Operational Research*, 119, 1999.
6. Auty, R., & Kiiski, S. Natural Resources, Capital Accumulation, Structural Change and Welfare. In R. Auty, *Resource Abundance and Economic Development*. New York: Oxford University Press, 2001.
7. Baumol, W. *Entrepreneurship, Management and the Structure of Payoffs*. Cambridge, MA: MIT Press, 1993.
8. Bhidé, A. *The Origins and Evolution of new Businesses*. New York: Oxford University Press, 2000.
9. Busenitz, L., & Barney, J. Differences Between Entrepreneurs and Managers in Large Organizations: Biases and Heuristics in Strategic Decision-making. *Journal of Business Venturing*(12), 1997.
10. Bygrave, W., & Minniti, M. *The Microfoundations of Entrepreneurship*. *Entrepreneurship: Theory and Practice*, 23(4), 1999.
11. Carlson, B. *Technological systems in Bio Industries: An International Study*. Boston: Kluwer Academic Publishers, 2003.
12. Carreras, A., & Tafunell. *Big Manufacturing Firms Between State and Market*. Cambridge, MA: Cambridge University Press, 1997.
13. Casper, S., & Murray, F. *Scientific Labor Markets and the Building of Biotechnology Firms: A comparative*. *Academy of Management Conference*. Seattle, 2003.
14. Casson, M. *The Entrepreneur an Economic Theory*. Cheltenham: Edward Elgar, 2003.
15. Churchman, C. W. *Philosophical Speculations on Systems Design*. *The International Journal of Management Science*, 2(4), 1974.

16. Claessens, S., Djankov, S., Fan, J., & Lang, H. Expropriation of Minority Shareholders in East Asia. World Bank, 1999.
17. Coelli, T. A Guide to DEAP Version 2.1: A Data Envelopment Analysis (Computer) Program, 1996.
18. Cook, P., & Uchida, Y. Productivity Growth in East Asia: A Reappraisal. *Applied Economics*, 34, 2002.
19. Delmas, M., & Tokat, Y. Deregulation, Governance Structures, and Efficiency: The U.S. Electric Utility Sector. *Strategic Management Journal*, 26, 2005.
20. Demirguc-Kunt, A., & Maksimovic, V. Law, Finance, and Firm Growth. *Journal of Finance*, 53, 1998.
21. Dodd, S., & Seaman, P. Religion and Enterprise: An Introductory Exploration. *Entrepreneurship: Theory and Practice*, 23(1), 1999.
22. Dosi, G. The Nature of the Innovative Process. In G. Dosi, C. Freeman, G. Silverberg, & L. Soete, *Technical Change and Economic Theory* New York: Pinter, 1988.
23. Durand, R., & Vargas, V. Ownership, Organization, and Private Firms' Efficient use of Resources. *Strategic Management Journal*, 24, 2003.
24. Emrouznejad, A. An Alternative DEA Measure: A case of OECD Countries. *Applied Economics Letters*, 10, 2003.
25. Färe, R., Grosskopf, S., Norris, M., & Zhang, Z. Productivity Growth, Technical Progress, and Efficiency Change in Industrialized Countries. *American Economic Review*, 84, 1994.
26. Higgins, B. *Economic Development, Problems, Principles and Policies*. New York: Norton Company, 1968.
27. Higgins, M., & Gulati, R. Getting off to a Good Start: The Effects of Upper Echelon Affiliations on Underwriter Prestige. *Organization Science*, 14, 2003.
28. Hollingsworth, B. Non Parametric Efficiency Measurement. *The Economic Journal*, 114, 2004.
29. Kenney, M. *Biotechnology: The University-industrial Complex*. New Haven: Yale University Press, 1986.
30. Kim, J. W., & Lee, H. K. Embodied and Disembodied International Spillovers of R&D in OECD Manufacturing Industries. *Technovation*, 24, 2004.
31. Kirzner, I. *Competition and Entrepreneurship*. Chicago: University of Chicago Press, 1973.
32. Kruger, J. J. The Global Trends of Total Factor Productivity: Evidence from the Nonparametric Malmquist Index Approach. *Oxford Economic Papers*, 55, 2003.
33. Lane, T. D., Lipschitz, L., & Mourmouras, A. Capital Flows to Transition Economies: Master or Servant? *International Monetary Fund Working Paper* No. 02/11, 2002.
34. Lumpkin, G., & Dess, G. Clarifying the Entrepreneurial Orientation Construct and Linking it to Performance. *Academy of Management Review*, 21, 1996.
35. Marshall. *Principles of Economics*. London: Macmillan, 1961 - 1890.
36. Moran, P., & Ghoshal. Markets, firms and the Process of Economic Development. *Academy Management Review*, 24, 1999.
- 37.



38. Neary, J. P., & Wijnbergen, S. V. *Natural Resources and the Macroeconomy*. Cambridge, MA: The MIT Press, 1986.
39. North, D. *Institutions*. *Journal of Economic Perspectives*, 5, 1991.
40. Penrose, E. T.. *The Theory of the Growth of the firm*. New York: Wiley, 1959.
41. Rivkin, J. W. *Reproducing Knowledge: Replication Without Imitation at Moderate Complexity*. *Organization Science*, 12, 2001.
42. Ryan, A. M., Chan, D., Ployhart, R. E., & Slade, L. A.. *Employee Attitude Surveys in a Multinational Organization: Considering Language and Culture in Assessing Measurement Equivalence*. *Personnel Psychology*, 52, 1999.
43. Schumpeter, J. A. *The Theory of Economic Development*. Cambridge, MA: Harvard University Press, 1934.
44. Shane, S.. *A General Theory of Entrepreneurship. the Individual-opportunity nexus*. Cheltenham: Edward Elgar, 2003.
45. Shane, S., & Cable, D. *Networks ties, Reputation and the Financials of new Ventures*. *Management Science*, 48, 2002.
46. Shane, S., & Venkataraman, S. *The promise of Entrepreneurship as a Field of Research*. *Academy of Management Review*, 25, 2000.
47. Thursby, J. G., & Thursby, M. C. *Who is Selling the Ivory Tower? Sources of Growth in University Licensing*. *Management Science*, 48, 2002.
48. Weber, M.. *The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism*. New York: Scribier, 1930.
49. Xue, M., & Harker, P. T. *Ranking DMUs With Infeasible Super-Efficiency DEA Models*. *Management Science*, 48, 2002.



شماره مسلسل: ۱۴۳۷۵

مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تحلیلی بر محیط کسب‌وکار و بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی در ایران

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه مطالعات محیط کسب‌وکار)

تهیه و تدوین: شاهین جوادی

ناظر علمی: سیدامیر سیاح

متقاضی: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. فرآیند کارآفرینی
۲. محیط نهادی
۳. محیط اقتصادی
۴. محیط کسب‌وکار
۵. شاخص تبدیل یافته پایش محیط کسب‌وکار
۶. شاخص فرصت‌های آربیتراژ فنی
۷. شاخص بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی
۸. نرخ تراکم ایجاد کسب‌وکارهای جدید



تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۵/۱۳